

# حقیقت

شماره ۱۱۲ \* ۳۰ فروردین ۱۳۶۰

حکومت قانونی که حکومت دار و دسته حزبی را قانونی کند،

## حکومت استبداد است!

.... ببینید اینها دیگر از چه فرقه‌ای اند که حتی ایمن قانون اساسی هم برای استقرار حکومت استبداد و اخناقشان زیاده از حدگشا دست و امیال بیما رگزنه فدیشری و فدآ را دیخواهی ایشان را ارضاء نمیکند.

صفحه ۳

سرمقاله:

# درباره اهمیت جنگ ایران و عراق در سرنوشت انقلاب ایران

این روزها در بسیاری از جراید و سخنرانی‌ها و محافل به عناوین مختلف به اهمیت مسئله جنگ ایران با عراق در رابطه با سرنوشت انقلاب ایران اشاره میشود و بسیاری نیروها ظاهراً با طنا مسئله ایمن جنگ را مسئله حیاتی انقلاب می دانند.

اما اینکه گفته شود مسئله این جنگ درجا معنی یک مسئله اصلی و حیاتی است ضرورتاً به این معنا نیست که گوینده این سخن در واقع قصد آن دارد که در جهت مصالح انقلاب و دفاع از همین گام بردارد و ایمن موضوعی است که با جدان توجه شود.

مثلاً بوده اند کسانی که بریلوای این تحلیل که مسئله جنگ مسئله اصلی جا معنی است شمار تبدیل آنرا به جنگ

داخلي بر علیه حکومت کنونی فرموله کرده اند و در این رابطه به همنوائی با امپریالیسم رسیده اند و پیدا است که این چنین تحلیلی از اصلی بودن و حیاتی بودن مسئله جنگ با عراق هیچ وجه بیان کننده قدم گذاشتن نیروی تحلیل کننده در راه انقلاب نبوده و بلکه در واقع به معنای ضدیت با آن است. اما کسانی دیگری هم هستند

که با مسئله جنگ را یک مسئله حیاتی و سرنوشت ساز در جا معنی و انقلاب میدانند و ما در خلوت مقام دیگری را مطرح میکنند. حزب جمهوری اسلامی و متحدانش که این روزها زیاد از مسئله جنگ دم میزنند و یکباره شدیداً طرفدار سیاست قاطع جهاد مسلحانه بر علیه رژیم صدام شده اند، از این قماشند. آنها از (بقیه در صفحه ۲)

## تاریخ و مردم در این باره قضاوت سختی خواهد کرد!

پیام رویزیونیسم و خیانت!

تکاتی پیرامون پیام نوروزی چریکهای اکثریت

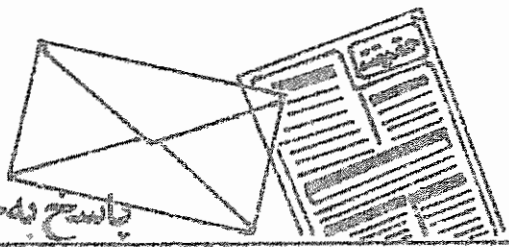
مقالاتی درباره اوضاع ال سالوادور بنیان

انحصار طلبان و میثاق وحدت

گزارشی از شهرزاد قائمیه. خبری از قزوین

پاسخ به خوانندگان

پیرامون نظرات امام درباره شکنجه سخنان اخیر امام در دیدار با رئیس دادگستری انقلاب اسلامی مرکز وونی چند از مسئولین دادگستریها و زندانهای کشور از فضا به شایعات (۱) شکنجه خاسته دو معلوم شد که شکنجه هست ولی این زندانیها، این شلاق خورده ها، این ناقص و معلول شده های مجلسهای خصوصی کمیته های انقلاب اسلامی نیستند که شکنجه میشوند. بقیه در صفحه ۶



اهمیت جنگ

املی دانستن مسأله جنگ قصدی مگر توطئه گری ندارند، توطئه ها ئی که با یدحتملا در پیشگاه ملت افشا شده و در تطفه خفه شود، آنها با اخلال در جبهه و پشت جبهه تفرقه افکنشی و استبداد جوشی بزرگتریست لطمات را به جنگ مقاومنت زده اند، آنها میکوشند در جامعه ما رژیمی از نوع رژیم بعثت اما به سردمداری خودشان برقرار کنند، آنها در دوران جنگ خشم ملت در دکشیده ایران را بر علیه خود برانگیخته اند و اکنون میخواهند با عوا مفریبی در مورد جنگ بر علیه توده های مردم و بر علیه نیروهای میهن پرست و ترقیخواه بتا زنده و آنهسا را سرکوب کنند، منظور آنها از عوا مفریبی ها ایشان در مورد جنگ اینست که با استفاده از شرایط راه را برای بانحصار در آوردن قدرت سیاسی در جامعه هموار کنند و رقیب را کنا زنند و خلاصه آنکه جنگ را بپا نه کنند تا با عوا مفریبی حاکمیت سیاه خودشان را برقرار سازند و در آن صورت اما ده اندک با صدام از صدام بزرگترش هم قسرا رداد سازش و تسلیم امضاء نمایند و بهمین سیاق میتوان نیروهای دیگری را در جامعه بر سر دمکسه مسئله جنگ را حیاتی و اصلی میدانند ما در نتایجی که از این موضوع میگیرند عا مدانه و یا از بر نماند کاری و کژ اندیشی بدنتایجی برخلاف مصالح پیروزی انقلاب و ملت بردشمن متجا وز میرسند که ما بسرای جلوگیری از بدرا زا کشیدن سخن فعلا از بحث در این مورد خود داری میکنیم.

حیاتی انقلاب ایران است. در نظر ما مسئله جنگ واقعیستی است که در شرایط کنونی، ما و آرمان ما یعنی کمونیسم انقلابی را به آزمایش میخواند، مسئله جنگ مسئله ای است که ما در متن تلاش خودمان برای ادامه انقلاب و برقراری یک حاکمیت انقلابی آزادخواه و استقلال طلب در ایران با آن مواجهیم، مسئله جنگ از این زاویه یعنی با پانشاری بر سر کمونیسم انقلابی و با تاکید بر ضرورت ادامه انقلاب در راستای آزادخواهان و استقلال طلبانه است که برای ما بعنوان مسک مسئله حیاتی مطرح شده است، آرمان ما بما حکم میکند از میهن خود در مقابل تجاوزا مپریسا لیستی که از طریق رژیم صدام صورت گرفته است دفاع کنیم، تجاوز بعثت عراق به ایران که بر اساس نقشه امپریالیسم آمریکا صورت گرفته است، شکست کشتا نیدن انقلاب ایران و زمینه سازی برای تجزیه ایران و انجا م کودتا های امپریسا لیستی را هدف اصلی خود داده است، بنا بر این وفاداری به انقلاب دمکرا تیک و ضد امپریالیستی ایران و پیشرفت این انقلاب نیز مقابله با این تجاوز و ضد انقلابی ارتجاع جفا ئی را در دستور کار قرار داده و دفاع از دستاوردهای انقلاب دوم و تلاش در جهت پیشبرد آن را با تلاش برای دفع این تجاوز گره زده است.

در رابطه با ضرورت مقابله با دشمن متجا وز در راه پیشرفت انقلاب ما به مسئله وحدت خلقهای ایران تاکید کرده و تحقق ضروریاتی که این وحدت را ایجا دنما ید، طلب نموده ایم. به این خاطر ما به مسئله

دموکراسی که یکی از اهداف برانگیزاننده انقلاب است بعنوان کلید حل مسئله وحدت خلق اشاره کرده و آنرا راهگشای پیروزی بر تجاوزگران دانسته ایم. و با اواخره در این جهت اعضاء و هواداران سازمان ما در جبهه های جنگ به مقابله با دشمن پرداخته و عده ای از آنها جان خود را در راه دفاع از انقلاب و میهن نثار نموده اند، این سمت گیری و برنامهنشان میدهد که چگونه برخورد ما به مسئله جنگ و الزامات آن در ارتباط با مسئله پیشروست انقلاب بوده و چه تفاق و تنی میان این سنگت گیری با سنگت گیری های عوا مفریبانه ای که در واقع مسئله جنگ را بپا نه ای برای آزادیکشی، تسلیم طلبی در برابر ا برقررتها و تفاق افکنی قرار داده اند، وجود دارد.

اینکه این جنگ و مقابله با تجاوز رژیم بعثتی چه همیشه در سر نوشت انقلاب ایران داراست، بنا بر آنچه که تا کنون گذشته، از بررسی تاثیرات شکست ویا پیروزی در آن بر روند انقلاب آزادخواهانسه و استقلال طلبانه میهن اناناشی میشود، صرف نظر از اینکه این جنگ در واقع در امتداد سیاست امپریالیسم آمریکا برای شکست کشتا نیدن انقلاب ایران و بصورتی که از رژیم بعثت به خاک ما شکل گرفته است، (و تا دلانسه بودن مقاومت ایران در مقابل این تجاوزا سا از این مسئله نشات میگیرد) برای انقلابیون شایسته است که دورنمای احتمالی جا سدر ا در ارتسباط با جنگ مورد بحث قرار داده و آن را در محاسبات خود برای جنگی سمت دادن به حرکت خود حساب آورند.

اگر ایران شکست بخورد

یک حساب سرانگشتی و ساده نشان میدهد که اگر ایران در این جنگ شکست بخورد، این به آن معناست که امپریالیسم

آمریکا گام بزرگی در راه شکست کشتا نیدن انقلاب ما پیش گذاشته است و کشور ما در معرض تجزیه قرار گرفته و عمال امپریالیسم آمریکا در منطقه وهمچنین در ایران از قضاوتش بختیاریا ویسی و دیگران جان تازه ای خواهند گرفت، یاران امپریالیسم در دستگا ه ارتش در اجرای نقشه کودتا گرانسه خود علیه آزادی و استقلال ایران جری ترخواهند شد و زمینه برای حاکمیت رژیم ارتجاعی از نوع رژیم محمدرضا شاه دستکم در بخشهایی از خاک وطن همسوار شده، ضربه بزرگی به انقلاب و استقلال وطن وارد میآید. در صورت شکست ایران در جنگ (و تا درجه ای که ایران در این جنگ شکست بخورد) جریان حزب دمکرات که با بعثت عراق مرتبط است بریستر شکست زمینسه را برای اعلان حاکمیت بر بخشی از خاک ایران دست خواهد آورد و حا که بیت زورگویی و ایستسه به بیگانسه ای را بر ملت کرد تحصیل خواهد نمود، و ایستسه در شراحتی است که حزب بعثت نیز طبیعتا دستکم برای مدتی همین ارتجاعی و وابسته در ایران سرکار بپا ید بخشی از میهن ما را در اشغال خود خواهد داشت، همچنین هر چه جبهه ایران در این جنگ ضربه های بیشتر متحمل شود با ید توجه داشت که گرایش سازش و تسلیم و بندوبست با ا جقدرتها در میان نیروهای مختلف حاکم تقویت میشود و به خودی امروزه استبداد دجوبان حزب جمهوری اسلامی که تنها پلشان در این رابطه مدتهاست آشکار شده است و دیگر با دیسج عوا مفریبی قابل استناد نباشد در اثر شکست در این جنگ تقویت خواهند شد. بنا بر این همه، با پیروزی ایران متجا وز خطر بزرگی دستاوردهای انقلاب و از جمله استقلال ملی را ناپود خواهد کرد، که ضرورت مقابله با آن همه انقلابیون

## حکومت قانونی که حکومت دار و دسته حزبی را قانونی کند،

### حکومت استبداد است!

گروهها " داده اند، که البته با این شرط و شروط و تهدیدات ایشان، سلف ایشان یعنی مقام امنیتی محمدرضا شاه معدوم هم به وادادگان سیاسی زمان خود میداد!

حالب اینست که طسوق اطلاعاتیه کذابی متخلفین مراد دهگان نه نه طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی بلکه " بر اساس قوانین اسلامی" مورد مواخذه و محاکمه قرار خواهند گرفت و محازات خواهند شد. ببینید اسنها دیگر از چه فرقه ای اند که حتی این قانون اساسی هم برای استقرار حکومت استبداد و اختناقشان زیاده از حد گشاد است و امبال سبما رگونه ضد بشری و ضد آزادیخواهی ایشان را ارضاء نمیکند! در نتیجه سه قوانین اسلامی هزارویک رنگی که طی ۱۴ قرن و بدست فقها و مجتهدان گوناگون هر مساده اش هزارویک تفسیر و توجیه پیدا کرده است متوسل میشوند تا هر سوانه انوس را برای " اسلام" کذابی جویسش لازم دانند تا تفسیر و توجیه هر لایبلی کنند بهای نقد و اجساد بیرون کشند و بر سره بکوبند.

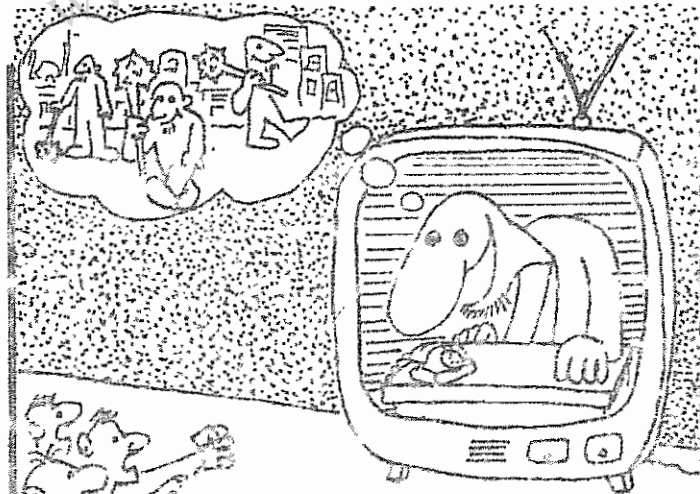
مصای اطلاعاتیه آقایان دادستان کل، که توسط سرهنگان انوس حزب حاکم متوسل و " آغازی برای اکتسب قانون در سطح جامعه " ستایش و مورد جزای جز آغازی برای اکتسب حاکمیت فاشیسم، یعنی سبب زمینه های قانونی برای تسلط تک حکومت مطلقه تک حزب تک دار و دسته بر همه مردم نمایانند. البته انخط رد دیگری جز سبب همین نوع اطلاعاتیه ها و احکام قانونی و بیشرمانه از جانب بقیه در صفحه ۹

حزبی ها و ایدیشان بوده و هیچ گاه اجازه به غیر نمیدهند ( چیزی ننویسند و انتشار ندهند) و کسی را به گردهم آشی و شظا هری دعوت نگردانند، و سرانجام " به تشویق و تحریک به اعتصاب و کمکاری و تخمین " و خلاصه هر نوع فعالیت دفاعی یا سیاسی، حتی اگر بمنظور حمایت از محرومان جامعه و مخالفت با زورگویان و غارتگران جامعه هم باشد، نپردازند. بعبارت دیگر کلیه احزاب و گروهها اگر سخاوتهند قانونی و محاز شمرده شوند سبب هیچ وسیله، راه چاره و باحقی برای دفاع از خوبان بگردند و هیچکاری بی اجازه مقامات انجام ندهند! و مقامات اسم و آدرس رهبران و اعضای خود را هم بدست آقای دادستان کل

و گروهها توسط آقای قدوسی تنظیم و صادر شده، حساوی ده ماده است، که با ماده های قانونی حکومتیهای فاشیستی نظیر حکومت سرنگون شده شاه معدوم هیچ تفاوتی ندارد. طبق این اطلاعیه ده ماده ای تنها احزاب و گروهها - ثی قانونی بوده و حق حیات دارند که طبق میل حکام و صاحبان قدرت اعلام موضع کنند و در حدود شرایط آنها اظهار نظر و فعالیت کنند و هرگاه هم که با از کلیم خود در از ترک کنند سروکارشان با " مقامات قضائی و انتظامی" باشد، آقای دادستان کل در اطلاعیه کذابی خودشان بشوهد رضا خان قلدریه کلیه احزاب و گروهها حکم کرده اند که و اگر سلاخی دارند فوراً تحویل دهند، ثانیا فوراً " موضع

سران کشور هر یک با استناد به گفته امام، که سال رسال احرای قانون اساسی خوانده اند، از حکومت قانون سخن میرانند، از قرار هیات سه نفری پیشنها دی امام هم برای نظارت و ناکید بر اجرای قانون اساسی و تحکیم بنیای حکومت قانون بوجود آمده است، البته از این میگذریم که خود تشکیل این هیات سه نفری از دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی عملی غیر قانونی و خارج از اختیارات قانونی مقام " ولایت فقیه" است! اما بهر حال باید دید معنای عملی حکومت قانون و احرای قانون در سال نوجه میباشد، و عملا چه چیزی دار و جنبه قانونی پیدا میکنند؟

این سؤال را اخیراً روزنامه جمهوری اسلامی در سر عقا له روزیستم فروردین خود زیر عنوان " حکومت قانون" پاسخ گفته است. این روزنامه نا اثاره به قول امام می نویسد: " از سوی امام مسابال سال قانون اعلام کرده است. اطلاعیه دادستان انقلاب اسلامی در بخت استمرار روحی گرنس این پیام از سوی مسئولین دبیرت کشور، ساشد آغازی برای حاکمیت قانون در سطح جامعه امروز آینه ایران گزند..."



همه احزاب و گروهها آرادند، برضی که خواهان آزادی نباشند!

بسیار بدست احزاب و نظامی قانونی " مقامات قضائی و انتظامی " باید متکلی روروش گردند. اما از این باید گذشت که آقای قدوسی " اجازه" مناظر و بحثهای عقیدتی و سیاسی از طریق وسائل ارتباطی " بعضی را دیوبند نلر سز - یون رایه " کسه احزاب و

جدیدی " که باب میل مبارک ایشان باشد" رسا اعلام سما بند " خالیا مطالبی بزعما ایشان " منضمل بر روع، نهبت و تحریک " بعضی انسا گری و روشنگری عنوان سکند، را ساسدن احزاب و زارتند خانه بهمان وزارتخانه ( کسه ضمنا همه شان هم فرخانشه

اما این اطلاعیه دادستان انقلاب اسلامی یعنی آقای علی... که " نویسد بخش استمرار و حدی گرفتن پیام امام و احکام قانون است برای حال آینه ایران میباشد. این اطلاعیه که به سان " فرقی ارتجایی و بیشرمانه" مجلس در باره فعالیت احزاب

# ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه، عید جهانی کارگران) چگونه بوجود آمد

به این نتیجه رسید که فقط با سراسری کردن این مبارزه و متحد کردن همگون کردن نما مکارگران آمریکا بر روی این خواسته و تکلیف کامل به نیروی خودکارگران میتوانستند قدمی به جلو بردارند و بدین ترتیب اول ماه مه ۱۸۸۶ بوجود آمد.

مبارزات کارگران آمریکا در این فرایند چندین ساله حدود سه دوره را پشت سر نهادند و هر دوره تجربه ای اندوخت. دوره اول سالهای بحران اقتصادی ۱۸۶۵ - ۱۸۶۱ بود. اتحادیه های کارگری که در دوران جنگ داخلی از بین رفته بودند، در این دوران با ردیگر احیاء شدند و کارگران در هر منطقه ای گروه گروه به آنها می پیوستند. این اتحادیه ها که در سال ۱۸۶۱ شروع به فعالیت نموده بودند، در سال ۱۸۶۴ دیگر به تشکیلاتهای قدرتمندی تبدیل شده بودند. در این دوره کارگران بحول خواسته های متعددی مبارزات بسیار شدیدی در سطح مناطق و البته جدا از هم به پیش میبردند. یکی از این خواسته ها که در ابتدا بصورت زمزمه های در میان کارگران شنیده میشد و بتدریج بصورت یک خواست مرکزی درآمد، هشت ساعت روز کار بدون کاهش دستمزد بود. تشکیلاتهای اتحادیه ای در آن زمان مهمترین مسئله شان کاهش ساعت کار بود و مسائل دیگر کمتر توجه میکردند. در سال ۱۸۶۶ در کنفرانس همه اتحادیه های تشکیلاتی قطعنامه ای صادر کردند مبنی بر اینکه اولین و مهمترین کاری که امروز با یستی برای کارگران صورت گیرد گذارندن قانون هشت ساعت کار است. در این مبارزات به مسئله ای که توجه همیشگی مبارزان کارگران بود. این تشکیلاتها سیاهان و زنان کارگران در برنمیگرفتند و در نتیجه صفوف کارگران نمیتوانست متحد حرکت کند. در عین حال اهمیت کافی به تکلیف بر نیروی خودکارگران داده نمیشد و در نتیجه این تشکیلاتها برای از چندی برای رسیدن به خواسته های خود وارد مناسبات نانوائی با سرمایه داران و فمالیتهای پارلمانتاریستی شدند.

از طرف دیگر سرمایه داران که قدرت روز افزون جنبش کارگری را میدیدند در سراسر آمریکا متحد شدند و با پیوستن بیسک دیگر در سطح شهرها تصمیم گرفتند جنبش کارگری در حال رشد را شکست دهند. آنها در حین انجام اینکار در مقابل خواسته کارگران در مورد کاهش ساعات روز کار یک عقب نشینی ظاهری کردند. دولت آمریکا در مقابل این خواست وسیع و توده ای در سال ۱۸۶۸ قانون هشت ساعت کار را برای کارگران رسمی از تصویب گذراند. این قانون روی کاغذاً نمودن تشکیلاتهای کارگری نیز بعوض بر طرف کردن نقاط ضعف خود در مورد اتحادکاران سفید و سیاه وزن وارد، کوشش میکردند که از طرق قانونی، این ساده موه را با اجرا بگذارند. این کوششهای غلط بتدریج کارگران را از صفوف این تشکیلاتها دور نمود تا اینکه در سال ۱۸۷۲ این تشکیلاتها عموماً منحل شده بودند. در همین اثناء که کارگران صفوفشان پراکنده تر از آنچه که میباید میشد، هجوم سرمایه داران در سرکوب کارگران شدیدتر میگشت و بدین ترتیب موفق شدند جنبش کارگری و تشکیلاتهای آنرا در این دوران درهم بشکنند و کارگران به هیچیک از خواسته هایمان حتی بطور متوقت نرسیدند. بنیبه در صفحه ۵

۱۱ اردیبهشت، اول ماه مه، روز جهانی کارگر فرامیرسد. این روز بعنوان مظهر وحدت و همبستگی کارگران در تمام جهان، جایگاه برجسته ای دارد. ۹۵ سال پیش، در روز اول ماه ۱۸۸۶، کارگران شهر شیکاگو در آمریکا مبارزه متحدانه ای برای رسیدن به خواسته خود مبنی بر هشت ساعت روز کار، سازماندهی کردند و از آن پس این روز بعنوان روزی که جلوه همبستگی و وحدت کارگران در مبارزاتشان میباشد، باقی ماند.

اول ماه مه ۱۸۸۶ اولین روزی نبود که کارگران برای کسب خواسته هایشان مبارزه میکردند، بلکه نقطه اوج مبارزات چندین ساله کارگران آمریکا بود که پس از سالها مبارزه خونین برای رسیدن به هشت ساعت روز کار رو چشیدن مزه شکست ها و پیسری و زیبهای مختلف در این مبارزات به این نتیجه رسیدند که تنها در پرتویک مبارزه سراسری و متحد و گسترده میتوانستند سرمایه داران را عقب بنشانند. اول ماه مه ۱۸۸۶ کارگران مبارزه ای متحد و سراسری و برای اولین بار از پیش سازمانیافته برپا داشتند و این پیام سرعت بسراسر جهان منتقل شد. از آن پس این روز و پیام آن که در سراسر جهان بارها تجربه شد در قلوب همه کارگران باقی ماند و نسل به نسل منتقل شد.

تجربه اول ماه مه و مبارزاتی که به این روز منتهی شد تا بحال بارها برای کارگران تمام کشورهای جهان تجربه شده است. کارگران امروز میتوانند با مشاهده تجربیات خود و برادرانشان در گذشته و حال بروشنی ببینند اگر در مبارزهای برای رسیدن به خواسته های هر چند کوچک متحد نباشند، موفق نخواهند بود و بالعکس با اتحاد آگاهی طبقاتی که با لطمه لازم یک اتحاد استوار و آهنگین کارگری است میتواند سرمایه داران و لائی چون تنبیر بنیادین یک جامعه دست بیازند. اول ماه مه از اینجهت عزیز و ماندنی است که کارگران جهان برای اولین بار از رزق اتحاد و همبستگی شان را برای نیل به هدف های طبقاتی شان دریافتند. در اینجا بی مناسبت نیست به سیر و وقایعی که منجر به حوادث اول ماه مه شد مختصراً اشاره کنیم.

پس از جنگهای داخلی آمریکا موقعیت کارگران در ایس کشور وضع اسفباری پیدا کرده بود. کارگران که به اسد بهبودی وضع خود در جنگ بر علیه برده داران از خود گذشتگی های بسیاری کرده بودند، اکنون میدیدند که تنها چیزی مانده آنها نگشته بلکه سرمایه داران از همیشه قوی تر شده و شدت استعمار آنها را بسیار بالاتر برده اند. یکی از مسائل اصلی که کارگران همواره بخاطر آن درگیر مبارزه با سرمایه داران بودند کاهش ساعات روز کار بود. سرمایه داران در سایه فقر و بیکاری شدیدی که وجود داشت حدود ۱۴ - ۱۶ ساعت در روز کارگران کار میکشیدند و همیشه سعی میکردند ساعات روز کار را یا در این حد نگه دارند و یا اینکه آنرا حتی افزایش دهند. در مقابل کارگران نیز در تلاش و مبارزه بودند که روز کار را تا هشت ساعت تقلیل دهند. این مبارزه تا رسیدن به اول ماه مه ۱۸۸۶ بیش از ۲۰ سال بطول انجام میداد و راز و نشیب های مختلفی را گذارند و تا کتک های گوناگونی را مورد استفاده قرار داد و شکست های متعددی را تجربه نمود تا بالاخره

۱۱ اردیبهشت ...

بقیه از صفحه ۴

دوره دوم مبارزات کارگران همزمان با بحران اقتصادی سالهای ۷۵ - ۱۸۷۳ بود. در این دوره مبارزات کارگران شدت بیشتری یافت اما هیچگونه تشکیلات آمادگی برای سازماندهی این مبارزات وجود نداشت. این مبارزات در مقایسه با مبارزات دوره اول بسیار شدیدتر بود و در مواردی چون مبارزات کارگران فولادوراه آهن و معدنچیان برای اولین بار جنبه سراسری نیز بخود گرفت. زنان کارگر شرکت بسیار موثر و فعالی در مبارزات این دوره داشتند. در این دوره اگرچه خواسته های متعددی چون افزایش دستمزد و... وجود داشت اما کمالات خواسته های ساعات کار مرکزی ترین خواسته کارگران بود.

سرما یه داران در این زمان نحر به شان در تفرقه افکنی میان کارگران و سرکوب آنها بیشتر شده بود اینها را همزمان ابتدا قبل از اینکه جنبش کارگری فرصت کند خود را به ایجاد تشکیلاتهای جدیدی برساند حرکتی با برنامها و زبیر طراحی شده آغاز کردند و برای درهم شکستن جنبش کارگری به فعالیت برداشتند. جنبش کارگری موفق شده بود تا حدودی سیاهان و بطسور موشری زنان کارگر را با خود همراه سازد، ولی سرما یه داران این بار تفرقه افکنی خود را از طریق جدائی انداختن میان کارگران آمریکائی الاصل و کارگران مهاجران زملیت هسائی مختلف انجام میدادند. سرما یه داران تبلیغ میکردند و وضع زندگی و شرایط نامساعد کار برای کارگران بدلیل حضور مهاجران چری غیر آمریکائی است و بدین طریق از وحدت صفوف کارگران جلوگیری میکردند. آنها در کنار این کارها دست به سرکسوت بسیار شدیدی در مقابل جنبش کارگری زدند و با اعلام حکومت نظامی در بسیاری از شهرهای آمریکا موفق شدند بنابر نیز جنبش کارگری را شکست داده آنها را پراکنده سازند. بدین ترتیب اگر در دوره اول مبارزه کارگران سراسری بود و اتحاد لازم میان سفیدپوستان و سیاهان و زنان کارگر بر خورد و تشکیلاتهای آن نیز بنیال مبارزات پارلمانتاریستی رفتند، در دوره دوم مبارزات آنها تا حدودی سراسری بود اما با زهم در زمینه وحدت صفوف کارگران و اینها میان کارگران آمریکا و کارگران مهاجر ضعف داشت و همچنین نتوانست تشکیلاتی مناسباتی مبارزه ایجاد کند و در نتیجه با زهم این مبارزه خواسته مرکزی آن یعنی کاهش ساعات کار به کساری زده شد.

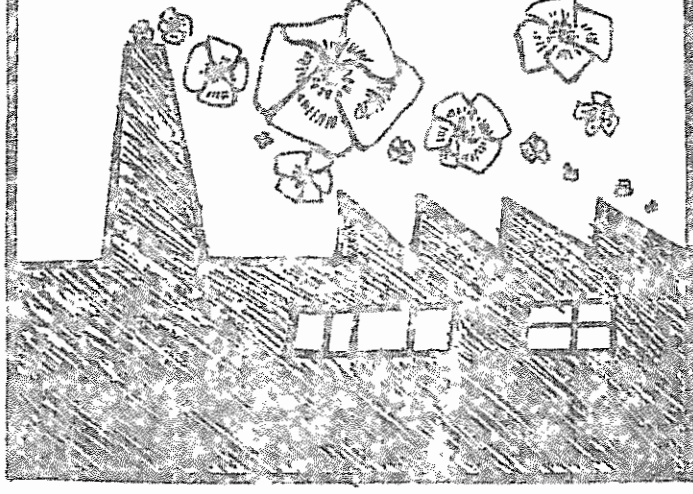
بحرانهای اقتصادی سالهای ۸۵ - ۱۸۸۳ سار دیگریکاری و فقر را افزایش داد و در کنار آن دوره سوم مبارزات کارگران آمریکا شروع شد. کارگران اینبار با درس گیری از مبارزات گذشته خود مبارزه بسیار شدید و از همان آغاز سراسری را شروع نمودند. اینبار شرکت موشری زنان کارگر، سیاهان و کارگران مهاجر در جنبش کارگری قدرت فوق العاده ای به این مبارزات می بخشید و صفوف کارگران از همیشه متحد تر بود. البته گسترش این مبارزه و وحدت صفوف کارگران ستردیج بدست میا شد. زنان کارگر، کارگران آمریکائی، کارگران مهاجر و سیاهان که هر قسمت مبارزات خود را هموار داشتند ستردیج بیکدیگر پیوستند و صف محکمی در این مبارزه بوجود آوردند. در زمینه

تشکیلات نیز اینبار، کارگران انقلابی از همان ابتدا اقدام به ایجاد تشکیلاتها نمود و از سال ۱۸۸۳ تشکیلاتهای کارگری شروع به وجود آمدن نمود. این تشکیلاتها از همان ابتدا شروع به متشکل نمودن کارگران در مبارزاتشان بخاطر دستمزدها و هشت ساعت کار برده شدند و روزگسترش بیشتری پیدا کردند. کارگران اینبار تصمیم گرفتند بودند تا می جلوتر از تجربیات گذشته بسر بردند و از سرترا و لا خواسته های متعدد خود را در یک خواسته مرکزی همت ساعت کار خلاصه نمودند و آنها را از آنجا شبکه مبارزات کارگران در ریشه های مختلف تا حدودی سراسری شده بود، تصمیم گرفتند رشته های مختلف را بهم پیوسته و یک مبارزه گسترده و عمومی در تمام کشور بر روی این خواسته صورت گیرد. روشن بود برای تحقق چنین هدفی که تاکنون بی سابقه بود میا بستنی کوششهای زیادی بکار رود. در نتیجه تشکیلاتهای مختلف کارگری در کنگرهای در سال ۱۸۸۴ دسته جمعی توافق کردند که کوشش نما بندهمه کارگران را متحد برای خواسته هشت ساعت کار برانگیزانند. و برای اینکار در چند سال مهلت تعیین کردند و قرار شد در روز اول ماه مه ۱۸۸۶ کارگران سراسر آمریکا برای خواسته ۸ ساعت کار به مبارزه برخیزند.

فعالیتهای اتحادیه های از این تاریخ آغاز شد و تبلیغات گسترده ای شروع شد. در پرتو این فعالیتها مبارزه بسیار ۸ ساعت کار در سالهای ۱۸۸۵ و ۱۸۸۶ تمام آمریکا را فرا گرفته بود. کارگران در ادامه مبارزه گسترده و متحد خود تصمیم گرفته بدینه در صفحه ۱۲

روز جهانی کارگر

بدروزی که گرجنت مبارک ساد، زحمتکش!  
 بنسین و فرهنگ و شورا بت زبند آزاد! زحمتکش  
 بدست کارگر، از نسودرخشد جا مبیروز ی  
 اگر با روزم تو از جنگ مزدوران تفنگ افتاد، زحمتکش  
 درون غنچه دل پرچم آسالم ما خونین  
 به شوراها نسود در استرازا ساد، زحمتکش  
 همیشه اتحاد تو کند حق سورا تصدیق  
 کند هم سنگ راست را زبند آزاد، زحمتکش  
 بسرون آمدن کا انبوه گل، زحمت کلگون رخ  
 چو بسود او از بلبل قصه بسداد، زحمتکش  
 بنا ز غیبت همسگران را زبند یا کشته  
 که ما هم متحد برخاست با افنداد، زحمتکش  
 به بهمن در زمستان کاشی ساجیش، آزادی  
 به ماه بهارت پر شمر تری ساد، زحمتکش



## تاریخ و مردم ...

### انحصار طلبان و میثاق وحدت

و خامت اوضاع اقتصادی و سیاسی سحرانی جامعه ما بحدی است که جریانات انحصار طلب و استبداد جویی از قماش حزب جمهوری اسلامی نمیتوانند جز با به انحصار رکشیدن قسدرت و سرکوب مخالفان این اوضاع را چاره کنند، بهمین دلیل بزرگامه‌های از قبیل میثاق اخیر نیز طبیعتاً زمینوا نندیریا با شد و قبل از هر چیز بدست حزبی ها خواهد شکست، برخلاف نظرس آیت اله خمینی که میخواست با این میثاق اخبار سال آینده را به سال آرایش و ملاطفت تبدیل کند از همان روزهای اول سال جدید، قتل چند نفر از جوانان مجاهد در شهرهای مختلف، اولین طلوعه تعرض حزب جمهوری را برای سرکوب و اختناق آمیز خلق آشکار کرد. بلافاصله پس از آن زبرلسوای اینکه ما به هیچوجه قبل از محاکمه صدام آتش بس نخواهیم کرد (۱) برنامهمه موا مشربیا نه‌ای در ارتباط با جنگ بر راه افتاد و هدف آن بقول آقای جلال‌الدین فارسی "نمد مال" کردن سنی - صدر بوده است، و با لآخره جریان توقیف روزنامه میزان دیگر به روشنی نشان داد که سالی که با گذشتار جوان مجاهد آغاز شد سال ملاطفت دربار لاهم نخواهد بود.

نگاهی به فهرست سخنرانان مراسم ۱۴ فروردین نشان میدهد که چگونه میثاق وحدت گذاشی در واقع در برابر انحصار طلبی های حزب رنگ میبازد، و این آشکارا گواهی

میدهد که این میثاق هسا و آرامش ها چگونه در واقع به باز گذاشتن دست حزب انحصار طلب برای سطره بر ارکان حکومت و جامعه می انجامد. (جالب توجه است که سنا به نظر آقای خمینی و همچنین آنطور که سنی صدر اعلام کرده بود قرار این بوده که در روز ۱۴ فروردین تنها پیام اما مینا سبت این روزبخش شود و کسی سخنرانی نکند) تهران : آیت اله حجتی قسم : فخرالدین حجازی امفهان : حجت الاسلام شاه آبادی و دکتر جاسبی تبریز : استاندار آذربایجان شرفی و حجت الاسلام موسوی زاهدان : حجت الاسلام مزاری بسزد : حجت الاسلام فلسفی سنندج : حجت الاسلام سید محمد امین حسنی (امام جمعه سنندج) و مهندس شیخ عطار (معاون استانداری) کرمان : حجت الاسلام معادیخواه رشت : احسان بخش (امام جمعه رشت) و موسوادی کریمی لنگرود : کریمی دادستان انقلاب و مومنی فرمانده سپاه مشهد : علی اکبر پرورش ایلام : حجت الاسلام ولی الله شریعت کرمانشاه : حجت الاسلام رحیمی (نماینده لرستان) و خا منهای بختک استبداد دهه دار و -

بلکه این آقایان قضات و زندانبانها و مسئولین دادگاهها و زندانبانها هستند که دائماً آرام و راحت "شان بهم می خورد" و "شکجه" میشوند! البته در زندانبانهای جمهوری اسلامی (سیاسی) هم هستند که شکجه دیده اند و علائم و داغ های شکجه هم بروی بدنهای آنها مشهود است ... این مطلب را اما مصریحاً اعتراف دارد! لیکن این جمعیتی است که جل الخالق (۱) خودش تلاقه به شکجه شدن دارد و اینسکه خودش خودش را داغ میکند و بعد به گردن دیگران می اندازد، بقول امام :

" شما گرفتار نیستید، جمعیتی هستید که خودشان را سیاه میکنند و داغ میکنند برای اینکه گردن شما بگذارند!"

قاعدتا اگر ما پیش از چند ماه بررسی با ملاحظ شابعه شکجه بدین قول رسیده، ما بسد جمعیتی از طرفداران فلسفه یوگای هندی هم در زندانبانهای شان محسوس با شد، عجا که بگرو بسند در این جمهوری به کجا رسیده که حتی جوکی ها و مرتاض ها شی را هم که فقط آزارتان به خودشان میرسد، بر زندان میا فکنند!

اما ما چه تصور میکنید. آیا فکر میکنید که با یک همجو پرده پوشی بزرگی، آنچم بسا استناد سه قول " یک آقای - که دا ما دا ایشان باشند، میشود بر حقیقت زشتی چون شکجه در زندانبانهای جمهوری اسلامی خصوصاً در زندانبانهای

آنها بیات بررسی شکنجه انتخاباتی خودشان در جلوسوی ایشان پهن کردند. امام گفته بی بیاء اشراقی را در باره شکجه فلان شخصی برای مردم نقل میکند، ولسی گفته ۱۵۰ سند معتبر را، که خود هیات ندا اعتبار آنها را پذیرفته، برای مردم نقل نمیکند و حتی به توصیه آن هیات دستور پنهان کردن آن اسناد و سکوت در باره آنها را میدهد. ولی این اسناد تنها در دست آن هیات نیست و از دیده مردم ایران، که بر سر آزادی و شرافت انسانی خویش سرکوب ترین ساشی ندارند، پنهان نخواهند ماند.

هر چند ما مدرا این دیدار به تفاضی تا حواله سردانسه رئیس دادگاههای انقلاب و سایر مسئولین مربوطه، که تقاضای فنوای " مهدورالسد" خواندن مجاهدین و گروههای مشابه را داشتند، پاسخ منفی داد، لیکن پرده پوشی های اما مویشتگر می دادنها ایشان به این افراد و ارگانها شی که اسناد عملیات شکنجه در آنها کاملاً آشکار میباید، تنها عوامل استبداد و توطئه گران را بیش از پیش جری ساختند و به کارهای خود تشویق میکردند، و البته قضات تاریخ و مردم در اینبنا ره سخت خواهد بود!

دسته بهشتی و سرکاء آرا امروز بوضوح نمایندگی میکنند بسا هیچ میثاق و قاضی به ملاطفت و آرامش رضا نخواهد داد. آرا می که استبدادبان میجویند آرامشی است که جفدها در گورستان خاموش یافته اند و این تنها در شرایط حاکمیت



اهمیت جنگ ...

و کامل ایران در جنگ بر علیه نجا وزگران چگونه به انقلاب خدمت میکند و آنرا از سراهها نجات میدهد و درست بخاطر این پیروزی است که کمونیست ها و نیروهای انقلابی باید تلاش کنند چرا که این پیروزی بدون شرکت هر چه فعلی لشرطبقات انقلابی در جبهه و پشت جبهه و در صحنه سیاست حاصل نتوانست گشت .

اما آنچه تا کنون گذشته است ، نه آن شکست و نه این پیروزی هیچیک نبوده است . سفر هیئت های حسن نیت و بالا گرفتن بحث صلح حاکی از آن است که چنانکه ما مدتهاست گفته ایم کار جنگ بهین بستنی رسیده است . قوای عراق در پیاده کردن نقشه امپریالیسم آمریکا مبنی بر "فتح خوزستان شکست خورده است و این شکست سببی در واقع به برکت مقاومت توده های مردم و سربازان و پاسداران و سایر رزمندگان جبهه ها بردشمن تحمیل شده است و گرفته ارتجاعیونسی از قماش سران حزب جمهوری اسلام می و فرماندهان خیانت پشنه ارتش در این میان جزا خلال کاری نکرده اند . در این مسورد با دید توجه داشت که هنگامی که از شکست نسبی عراق در پیاده کردن هدف سیاسی - نظامی بلاواسطه اش سخن میگوئیم منظور این نیست که خطر رفع شده است . قوای عراقی هنوز بخش مهمی از خاک میهن ما را در اشغال دارند و هر روز شهرهای خوزستان را هدف گیری میکنند و بر سر مردم و رزمندگان بمب و خمپاره میبارند . بنا بر این جبهه و انقلاب بشدت در خطر است و میا رزه باید تا اخراج کامل قوای عراقی از سرزمین های اشغالی

بشدت ادا می باید . و در این بین رابطه تا کید بر خواست های عادلانه که با توده های کردن جنگ و برقراری وحدت نیروها بر مبنای دموکراسی پیروزی را تسهیل میکند ، و ما در مقاسلات مختلف از آن سخن گفته ایم ، ضروری است .

اینکه عراق هنوز کما ملا شکست نخورده است و اینکه هنوز بخشی از خاک میهن ما در اشغال قوای مهاجم میباشند و در عین حال جنگ بهین بست رسیده است نشان دهنده نا توانسی قوای ایرانی از پیروزی در جنگ میباشد و این نا توانسی پیش از هر چیز بخاطر ضعف و هم جنین خیانت امرای ارتشی و انحصار طلبی ها و خرابکاری های حربی است استبداد خود ر جبهه و پشت جبهه موجود آمده است . در عین حال نا توانی و کژ اندیشی های نیروهای بسورژواشی و خرده بسورژواشی که در عرصه سیاست جامعه رهبری مردم را در دست دارند نیز مزید بر علت شده و راه را برای توده های شدن جنگ و برقراری وحدت ملی پر اسانس دیکراسی که ضامن پیروزی واقعی در جنگ است سد میکنند ، به این دلیل خطر بزرگ یعنی خطر شکست در جنگ و فرا هم آمدن زمیننه های توطئه و تلاش های ارتجاعی دیگر هنوز موجود است و انقلابیون باید آماده باشند که نه تنها تا آنجا که میتوانند در دفاع و مت میهنی شرکت جوینند بلکه نیروها و مرتجعی کسه زمیننه ساز شکست شده بدراسه عنوان خائنین به ملت انگشت نما کرده و از سرکار کنار زنند . چرا که اگر این نشود حتی در صورتی که تلاش رزمندگان جبهه های نیرو و میهن پرستان در سراسر کشور بهین بست کنونی را بر عراق محکم تر نما بدوحتسی زمیننه اخراج قوای عراقی از میهن فراهم آید یا زیبایی پیروزی ( اگر چه پیروزی است و شادی - سخن ) اما میتوانند با دسیسه های ارتجاعی خطرناک دیگری

خبری از قزوین

در عصر روز چهارشنبه ۶۰/۱/۵ گروهی از اعضای بسیج مستضعفین که سیاه پها سداران هم از آنها حمایت میکردند طوسی یک سر نامه سا زمان یا فتهای به بساط نشریه و کتا بفروشی گروههای سیاسی عمدتا مجاهد بین خلق حمله کردند و پوسترها و نشریات را پاره و کتا بها را ضبط کردند . این حمله با مقاومت گروههای میزبور و بروشدکسه در نتیجه ۳۰ نفر از مجاهدین توسط سیاه پها سداران دستگیر و به زندان منتقل شدند . در زندان بعد از آزار و اذیت مجاهدین توسط پاسداران شریب یک اعدام نمایی به شش سوه جلادان سا واک داده شد که گلوسه به یکی از مجاهدین بنا نام صغر قدس میخورده و منحربه شهادت وی میشود این عمل کریه و ضد مردمی سیاه پاسداران ما نفرت و تحقیر عمومی مردم شهر قزوین رو بسرو میشود و مردم در تشییع جنازه شهید نفرت کامل خود را نسبت به اینگونه اعمال ضد مردمی ابراز کردند و خواهان محاکمه و معرفی قاتل شدند . ضمناً وسعت عمل سیاه پاسداران و تاشیر سوشی که بر مردم داشت باعث شد که در تظاهرات روز جمعه پیروزی اسلامی بیست و دو هزار نفر شرکت نکنند .

دنیال شود که در پایان این جنگ میهن ما را با خطرات بزرگتری دست به گریبان نماید و درست در این رابطه است که انقلابیون ایران باید هوشیار و آماده باشند و بر ضرورت ادا مه جنگ تا پیروزی یا فشاری کنند و در خاتمه جنگ هم خود را برای مقابله با دسیسه های نویسن و تلاش برای ادا مه انقلاب تسلیم پیروزی به میدان مبارزه طبقاتی نیاندازند .

## حقانی در جده چه کرد؟

این است که آقای حقانی با اینها چه میگفته است که امروز در شرایطی که حزب جمهوری برنامۀ عوامفربیا نه جدیدش را در مورد جنگ مطرح میکنند ایشان پس از یکماه خبرهای مربوطه را تکذیب میکنند و گروهی هپارابه شایعه پراکنی متهم میسازند. آیا این نیست که برنامۀ حزب جمهوری اسلامی برای پایان دادن بحنگ، سازشکارانه ترین و تسلیم طلبانه ترین برنامۀ ما بوده است و فعلا مسکوت مانده است. آیا این نیست که حزب جمهوری اسلامی که امروز عوامفربیی میکند در شرایط مساعده مانده که در مورد لانه جاسوسی نشان داد سازشکارانه ترین برنامۀ های وطن فروشانۀ رابه ملت تحمیل خواهد کرد.

آقای حقانی آینه چون نقش تو بنمود است خودشکن آینه شکستن خطاست به گروههایی که حقیقت را گفته اند بدوبیرا نگویند!

خارجی ایران وحنگ ایران و عراق نررار خواهد گذشت. در ضمن همین سخنکوا علام کرد که حجت الاسلام حسین حقانی نامه محمد علی رحائی را به تازۀ هزاده فهد بن عبدالمزین تسلیم خواهد کرد.

" روز ۲۹ بهمن ۵۹ آقای حقانی پیام آقای رحائی را به کفیل وزارت امور خارجه تسلیم کرد و بساوی گفتگو نمسود. روز ۳۰ بهمن ۵۹ آقای حقانی با حسیب شطی دبیرکل کنفرانس اسلامی و عضو هیئت حسن نیت ملاقات نمود. ( بنقل از گزارش سری هیئت آقای حقانی )

و جالب اینجاست که اینها هیچ یک روحانی نوده اند و بالطبع بحث آقای حقانی با آنها هم نمیتوانسته بدور مسائل مقلبی بوده است. وشوال مهم

ضرورت صلح میگفت چرا و نه چه انگیزه ای به جده رفت، قبلادر مفا لات مربوط بحنگ در " حقیقت " مورد بحث قرار گرفت. فته است. اپا از آنجا که همه سبب استمداران طبقات ارتجاعی دروغگو و کم حافظه میشوند، در رابطه با تکذیب ناخبرایشان که اتفاقا همزمان بابیانیه های عوامفربیا نه حزب جمهوری اسلام می مینی بر ضرورت ادامۀ حنگ تا محاکمه صدام انسانا رمیابند لازم دیدیم که چندخاطره سفر آقای حقانی را بیا دایشان بیاوریم:

" آقای حقانی روز ۲۷ بهمن ۵۹ وارد فرودگاه جده شدند و مورد استقبال معاون وزیر امور خارجه در جده قرار گرفتند. سخنگوی سفارت ایران در جده درهما موقع اعلام کرد که هیئت اعزامی به رهبری آقای حقانی، رهبران پادشاهی سعودی را در جریان سیاست

در هفته های گذشته حجت الاسلام حقانی نماینده مجلس که داستان سفرش به عربستان سعودی در اوایل برنامۀ ریزی های معروف به " سیاست هیئت حسن نیت کنفرانس اسلامی " در این تشریه برملا کردید، در روزنامه ها و همچنین از رسانه های گروهی قضیه ملاقاتش را در رابطه با مسئله سازش با عراقی تکذیب کرده و گفت که گروهها برای من حرف در آورده اند و من تنها در کشور عربستان سعودی با پاره ای از روحانیون ملاقات داشته ام!

اینکه حجت الاسلام حقانی در زمانی که آقای رحاشی در نماز جمعه نغمه سازش میخواند و حزب جمهوری اسلامی خط سازش را دنبال میکرد و ما بنده آقای رحاشی در هر محفل و بزمی سخن از قویتر شدن رژیم صدام و

## مهدی علوی شوشتری کجاست؟

فروردین ماه امسال کنفرانس سالیانۀ ریاضی در دانشگاه اصفهان برگزار شد. در این کنفرانس دومین جایزه مسابقه ریاضی سال به مهدی علوی شوشتری، نابغه جوانی که سال گذشته به حکم جنتی فاشیت و اسرار حزب حاکم در حوزستان نه نهادت رسید، تعلق گرفت.

در هنگام تقسیم جوایز ریاضی چندبار ناموی را خواندند و کسی نیامد، تا آنکه سرانجام یکی از اعضای هیئت علمی دانشکده ریاضی دانشگاه اوز برای دریافت جایزه محل تقسیم جوایز مراجعه میکند. در این زمان یکی از حاضرین علت عدم حضور برنده، حایره را حویا مینماید، که در نتیجه این عضو هیئت علمی ناچار میشود توضیح دهد که این دانشجوی نابغه یعنی مهدی علوی شوشتری کسی است که در ارتباط با وقایع دانشگاه در سال گذشته اعدام شده است.

بگذار تا تعلق این جایزه علمی به این نابغه شهید مردم محروم ما چون تودهنی محکمی باشد بردها ن کسانیکه به خاطر عدم تحمل اندیشه مترقی علم پاره اسلامی کردن دانشگاهها را تکان میدهند و تصور میکنند با کشت و کشتار میتوانند ارج و مقام علم را از میان برد و برجای آن خرافه نشانند.



## حکومت قانونی

که ...

بقیه از صفحه ۱۳

امثال قدوسی و همکارانش در دولت و حزب و مجلسی که این لوایح قانونی مربوط به آنها را تصویب میکنند، نیست. لیکن صدور این اطلاعیه و هلهله ای که روزنامه ارگان حزب جمهوری اسلامی برای آن سر میدهد معنای حکومت قانون را در سال جدید روشن میکند، یعنی این واقعیت را روشن میکند که حکومت قانونی کسه حکومت این آقایان باشد و حکومت این دا رودسته را قانونی کند، فرقی با حکومت محمدرضا شاهی ندارد.



# پیام رویزیونیسم و خیانت فکاتی پیرامون پیام نوروزی چریکهای اکثریت

انقلاب (؟) حکومت جمهوری اسلامی (وحتما حزب جمهوری اسلامی که بخول ایشان خطا ما است) میتواند در پی حل دشواریهای فوق برآیند.

و این همان چیزی است که هرگز با الفبای ما رکیسم دربارها تا نونمندیهای انقلابات در عصر امپریالیسم آشنا باشد، نه تنها بوی گند تجدد نظرطلبی (رویزیونیسم) در علم انقلاب بلکه جای پای آقای برژنف و اولیا نفمکی و شرکاء یعنی سرمداران کرملین را در آن احساس میکنند.

آخرمگر این نیست که رسالت رهبری انقلاب تا پیمای روزی بدون طبقه کارگر است؟ مگر قرار نیست آقایان "لنینیست" بدانند که حل آن دشواریهای ذکر شده تنها توسط یک رهبری انقلابی کارگری و متکی به اتحاد کارگران و دهقانان مبنی باشد؟ چریکهای "اکثریت" جواب میدهند خیر! وظیفه ما ایجاد اعتماد نسبت به تواناییهای حکومت جمهوری اسلامی در میان توده مردم است!

اما ذکر یک نکته مهم در حاشیه بحث ضروری است: فرمولبندی رویزیونیستی فدائیان "اکثریت" در جمله بندی فوق تنها ظاهر قضیه است و در باطن و در زیر آئینه "هنوز" ها و "همچنان" ها دروغ بزرگی را استوار کرده اند. و آن اینکه "اکثریت" بسا عدم طرح مسئله تسلیم طلبی های حزب جمهوری اسلامی به امپریالیسم (از جمله در مسئله گروگانها) و همچنین با پرده پوشی این مسئله بسا رهنم که رهبران حزب استبداد جوی جمهوری اسلامی در حاشیه ما یک نیروی ارتجاعی بوده و هر روز بیشتر بسوی ابر قدرتتها متمایل میشوند، مردم را عریب میدهند. آنها بخاطر مفاصل "سیاست خارجی" و سیاست داخلی به مصلحتشان نیست که به مردم بگویند که در سال گذشته نه تنها انقلاب هنوز به پیمای روزی نرسیده است بلکه بخش مهمی از حکومت جمهوری اسلامی و بخصوص حزب استبداد همیشه در جهت شکست انقلاب گامهای بلندی برداشته است، اگرچه هنوز موفق نشده و سه برکت تلاش خلق هرگز هم موفق نخواهد شد.

سرگردیم بر سراسر اصل مطلب و بینیم که آقایان "اکثریت" چگونه میخواهند "انقلاب" را بیروزگردانند و چه راهی پیش پای ملت میگذارند.

در زمینه سیاست داخلی نمونه حالبی شایان توجه است. "اکثریت" در چاره جویی خود برای مسئله "آزادیهای سیاسی در حاشیه" در برنا مه خود چنین میگوید:

"آزادی سیاسی نیروهای مردمی همانگونه که در قانون اساسی جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته شده تا بسن و تضمین گردد."

آنکه حزب جمهوری اسلامی و حکومت جمهوری اسلامی در سال گذشته نتوان داد که به قانون اساسی مصوب خودی هم پایبند نیستند و واقعیتهای این واقعیت را نیروهای انقلابی از همان موقع تصویب این قانون دوپهلوی فریبکارانه تصریح کرده بودند. اما آنکه مبارزه ما با بد برای آزادیهای سیاسی تنها به محسدوده "تضمین اجرای این قانون اساسی" بقیه در صفحه ۱۰

رهبری سازمان چریکهای فدایی خلق (اکثریت) که در سال گذشته آخرین قدمهای خود را بسوی منقلب ارتداد و خیانت طبقه ای و ملی برداشت و کاملاً در غرقاب سازشکاری و مبدل شدن به یک دارودسته وابسته به قدرت شوروی در مملکت ما غوطه ور گردید، به مناسبت مبارکی یا بان آن سال بر بارها مبرنا مسه ریزی رفتار خود در عرصه سیاست سال آینده بیامی خطاب به مردم ایران منتشر نمود. در پیام نوروزی "اکثریت" آمده که در سال گذشته گویا انقلاب ما پیروزی های فراوان بدست آورده است!

"هنوز میاسوسها هم همین زحمتکشی ما با گرانگی گمراشکن و بیکاری دست بگیریم بنده طبقه کارگر و رهبران... هنوز در فقر و تنگدستی و بیکاری بسر میبرد و هنوز به حد اقل دستمزدی که بتواند معیشت او را تامین کند دست نیا فتمه است. میلیون ها دهقان... هنوز به خواسته های عادلانه خود نرسیده اند. کسبه و پیشه وران، کارمندان، معلمان دانش آموزان و دانشگایان، پرسنل ارتش و دیگر اشرار و گروههای مردمی که هر یک سهم خود در انقلاب شرکت داشته و دارند... هنوز به بسیاری از مطالبات عادلانه خود نرسیده اند. آزادیهای سیاسی که زهدتت های مهم انقلاب... بوده... هنوز تا مبن و تضمین نشده است. امنیت شغلی و قضا بی مردم هنوز در معرض خطر قرار دارند. برای مردم از هر مضیده و از هر مضیی در برار قانون ضمانت اجرایی پیدا نکرده است. مسئله ملی در کردستان... همچنان لاسحل مانده است. تجارت خارجی و نیز برخی صنایع بزرگ هنوز ملی نشده اند." و با آنهمه "هنوز" ها و "همچنان" ها که سقای ارتجاج و سرما بسد داری وابسته و بقایای فئودالیسم، را در حاشیه ما گواهی میدهد. هر آدم نسبتاً تا قل و بی غرضی این نتیجه را میگیرد که پس از انقلاب از اجرای خواسته های انقلاب نا توان بسوده و در سال گذشته هم این ناتوانی را به نمایش گذاشته است. اما چریکهای توده ای "اکثریت" از این مسئله نتیجه دیگری میگیرند و آن اینکه گویا این حاکمیت میتواند بسته و میتواند در جهت حل تمامی این مسائل گام بردارد و آنها را رفع کند و فقط بسه دلالتی "هنوز" این کار را انجام نداده است!

چنانکه بلافاصله میبویسند:

"و مهمتر از همه اینها آنکه هنوز این اعتماد در مردم با نگرفته است که حکومت جمهوری اسلامی و نیروهای خط اما مکه نیروهای فدائیمبرالیست و ملی اند، با اتخا ن سیاستهای خارجی و داخلی منطبق با مصالح انقلاب میتوانند در پی حل دشواریها و ضعف های فوق برآیند." (تا کیدان از ما است)

و این است همبندی مسئله "اکثریت" توده ای در شرایط کنونی: هنوز... بنده است، اما ممکن است بشود و ما بسبب و دنیا ربهنا حل بشود ولی افسوس که مردم اعتماد نمیکنند که از طریق سیاست خارجی (؟) و داخلی (؟) منطبق با مصالح

پیام

روزیونیسیم ۰۰۰

بقیه از صفحه ۹

اكتفاء كند از همان سوع حرفیایی است كه حزب بسوده در دوران استبداد محمد رضا شاه میزد و اكنون آقایان " اكثریت " در عهد استبداد كری بهشتی و دارودسته و حزبش با آن همتوایی نشان میدهدند. و جای تعجبی هم نیست! جای تعجب اینجاست كه ایسان زشكاران كسانی هستند كه گویا به این قانون اساسی هم رای نداده اند. . . . و البته حتما پشیمانند! باز در این باب توجه به آن واژه " نیروهای مردمی " برای خواننده ها نیز اهمیت است چرا كه با شناختی كه ما از زمان چریكهای " اكثریت " داریم و سیر تفقرا بی آن در سال گذشته نشان میدهد و همچنین با توجه به تجارب بین المللی این قماش جریانها ، نه تنها من و شما ای خواننده بلکه تقریبا هیچيك از سازمانهای انقلابی جامعه ما در چارچوب نیروهای مردمی نمی گنجند ( به صحبت های اینها در مورد سازمان مجاهدین و گروههای چپ كه در " مردم " و " كسار " منعكس می شود توجه كنید ) . و تازه ما توجه به این مسئله كه مردم افغانستان و كركران لیستان هم بزعم اینها ضد انقلابینند روشن است كه تكلیف مردم ایران چیست و چه بسا مردم ایران هم تحریك شده توسط گروههای " چپ آمریكایی " و " روحانیون ارتجاعی " باشند و دیگر " نیروی مردمی " نباشند! یعنی با رد دیگر رویز - یونیسم و سازشكاری رسما و علنا اعلام می شود و در واقع راه بسرای استبداد و وابسته به روس هموار میگردند .

و اما بر نامه ۹ ماده ای چریكهای فدایی " اكثریت " در ارتباط با مسئله جنگ هم نکات حالیسی دارد .

" اكثریت " در جنگ مردم ایران بر علیه تحا و ز عراق ظاهر ا طرف ایران را گرفته است اما چنانكه ما قبلا هم گفته ایم آنها در این رابطه در واقع مبلغ یا سفیر صلح طلبی تسلیم طلبانسه بوده اند . در این بر نامه بطور مشخص فضا به چنین مطرح میشود كه با یدر عین جنگ با عراق مذاكرات صلح آغا زشود آنها میگویند :

" اعتقاد داریم كه بیكارمضا و مت ، ما دام كه تحا و ز كركران در میهنمان حضور دارند با یدبا نا طبعیت هر چه تمام منبر ادا ما باشد . اما اعتقاد داریم كه در كركنا ر چنین بیكارمعا دلانهای همه اشكال مبارزه در راه دفع تحا و ز و استقرار صلح ، از جمله مذاكره صلح را با یدبكار میگیریم . "

و در اینجا مذاكره صلح به چه وجهه سوط به اخراج قوای عراقی از میهن ما نمی شود بلکه مذاكره صلح با رژیم صدام در كركنا ر بیكارمعا منجا و ز یعنی در شرایطی كه قوای عراقی در ایران هستند مطرح میشود و این به روایب حكومت جمهوری اسلامی مورد علاقه " اكثریت " هم با تمام جنابهاش معنای دیگری مگر سازشكاری ندارد . در اینجا فدائیان " اكثریت " بوی تسلیم طلبی حزب جمهوری اسلامی را شنیده اند و از فرصت استفاده کرده میخوانند بر نامه برزنتف را در مورد این جنگ بیادیده کنند . بیخود نیست كه فدائیان تا كید میكنند كه ابشكارمذاكرات صلح با سد در دست دولت ها و نیروهای ترقیخواه جهان و منطقه باشد ( كه حتما در راه اینها هم شوروی امیریا لیستی و كازگزارانته هستند . ) می بینیم كه باز " اكثریت " علنا با سفیر صلح و تسلیم طلبی را

زسركانه مطرح میكنند و از طرف دیگر برای امتیاز دادن به امپریالیزم شوروی در این سلیشوی منطقه خلیج تلاث مینماید . البته شاید ن ذكر است از وقتی كه سیاست حزب جمهوری ظاهر ا بر عوام - فریبی در مورد سازش نا پذیری با بعثت و راهپیمایی تا كركنا سلا و غبره منگی شده است ، " اكثریت " دچار تناقضی شده و ناچار ا در " كار " ۱۹ فروردین ، مصوبه شورای دفاع مبنی بر خروج نیروهای ارتش تجا و ز كاز عراقی بعنوان شرط آغاز مذاكرات صلح را تا كید کرده است . اما این در اصل مسئله كه اینان قیسل از بر نامه جدید حزب جمهوری اسلامی آمده بودند در عین وجود نیروهای عراقی در ایران بر ضرورت مذاكره صلح تا كید كنند تعیینی نمی دهند .

و اما شا هكار " اكثریت " در رابطه با جنگ و صلح در جمله است ایست كه مینویسد با ید

" صلحی برقرار شود كه ما من استقلال و تمامیت ارضی . . . دو كشور بوده و خواسته های عادلانه خلقهای ایران و عراق و نیروهای ترقیخواه دو كشور را تا مین كند . "

و این قطعا يك شاهكار دیپلما تیک است! از يك طرف میان رژیم عراق با ایران با ید صلح بشود و از طرف دیگر این صلح با یدضا من استقلال و بر آورد خواسته های عادلانه نیروهای ترقی دو كشور باشد . و معنای دوپهلوی جمله فوق را جدا با یدر كلاس های سیاست با زی رویونیستی تدریس كنند .

از يك طرف میتوانند بگویند كه رژیم صدام هما منظور كه برزنتف گفته رژیم مستقلی است و فقط این جنگ با ایران است كه استقلال و ترقی آن كشور را در خطر انداخته بنا بر این اگر صلح بشود این صلح میتواند ما من استقلال عراق باشد و نیروهای ترقی عراقی هم مبارزه را تعطیل كنند . ( و این حرفی است كه " اكثریت " حتما در جلسه با احزاب برادرمیگویند ) . از طرف دیگر میتوانند بگویند كه رژیم صدام وابسته است و صلحی كه بخواد ما من استقلال و ترقی و " بر آورد خواسته های عادلانه نیروهای ترقی " عراق با یدبه معنی سرنگونی رژیم بعثت است و نقشه جنگ تا سرنگونی صدام بعثت درست میباشد . ( و این حرفی است كه " اكثریت " حتما در جلسه با ساداران ویا حتی در جلسه با آقای بهزاد نبوی میگوید ) . و اینجاست كه شاهكار دیپلما تیک رویونیستی آشكار میشود .

اما ما كه متاسفانه از این شگردهای ما هرا نه چیزی نمی دانیم! و نمی خواهیم فرابگیریم! صریحا میگوییم كه جنگ ایران و عراقی در واقع جنگ با رژیم ارتجاعی و وابسته است كه بسسه تحریك و نقشه امپریالیزم بر علیه انقلاب ما یورش آورده است به این خاطر دفع این جنگ معنایی مگر پیروزی در این جنگ یعنی اخراج نیروهای تجا و ز كاز عراقی ندارد . " صلح " پس از این پیروزی چه قبل و چه بعدا ز سرنگونی رژیم بعثت بهر حال نمیتواند " ما من استقلال دو كشور و بر آورد خواسته های عادلانه خلقهای دو كشور باشد . " انتخاب و خواسته عادلانه نیروهای ترقیخواه عراقی برخلاف نظر مسكوكا رگزاران سرنگونی رژیم بعثت عراق است و این تنها با مبارزه خلق برادری عراقی تا مین میشود . همچنین تضمین استقلال ایران هم منوط به ادا مبارزه خلق ما بر علیه اسفدرتها و خائنین و تسلیم طلبان داخلی است و حتی نمی توانند صرفا محصول بلا واسطه پیروزی در این جنگ باشد . و برای آقایان " اكثریت " متاسفیم كه مبارزه استقلال طلبان ایران بهر صورت ادا ما دارد! ضمنا این نكته را هم بگوئیم كه معلوم می شود حرف دل آقایان " اكثریت " در واقع همانی است كه با احزاب برادرمیگویند!!!

بالاخره ترجیح بندیرنا مه سا زمان " اکثریت " کد الحقیق در سال گذشته بر روی آن با فشاری کافی داشته اند اما سال هم آنرا مراموش نخواهند کرد در بخش مربوط به مسئله سیاست خارجی شرقیخواها نه منعکس میگردد. ایشان مینویسند:

" امروز اتحاد سیاست خارجی منطبق با مصالح و منافع انقلاب مسئله حیات انقلاب ایران است. ما تا رسیدن به مرحله خودکفایی نسبی صنعتی و کشاورزی و غیره راه درازی در پیش داریم. برای ایجاد صنایع زیربنائی و دیگر کونی های اساسی در وضعیت کشاورزی ... باید از آخرین دستاوردهای امروز جهان و از پیشرفته ترین ابزار رفنون صنعتی جهان بچیره بگیریم. بهره گیری از صنایع پیشرفته و سایر ابزار رفنون صنعتی و کشاورزی پیشرفته جهان امروز، بگونه ای که ما من تحکیم استقلال و آزادی مبین ما و تداوم و تعمیق انقلاب با شد بگونه ای که منافع و مصالح کارگران و زحمتکشان و همه قشرهای دیگر مردم مبارزان در نظر داشته باشد، فقط از طریق هم کاری متقابل با کشورهای سوسیالیستی جهان میتوانست تا مین گردد و فقط از این راه است که میتوان با بلطیده امپریالیسم و هرگونه وابستگی مقابله کرد. ... سیاست خارجی منطبق بر مصالح توده های مردم سیاست گسترش روابط با دول سوسیالیستی جهان امروز ضرورت حیات انقلاب ما است. " ( تاکیدات از ما است )

و این پیام اصلی چریکهای " اکثریت " است. این آن عشق سوزانی است که چریکهای " اکثریت " را در عرصه سیاست ایران به تنگاپووا مبادارد و در حقیقت شاه بیت برنا مه سال آید آنهاست. بدون اتکاء به اردوی شوروی امپریالیستی، بدون وابستگی، استقلال ممکن نیست! به شوروی اتکاء کنید، به شوروی وابسته شوید تا ما شما را مستقل کامل و بی عیب و نقصی بدانیم! این است پیام چریکهای " اکثریت " به حکومت جمهوری اسلامی. و این است آنچه آنها مردم را به مبارزه در راه آن فرا میخوانند و میخواهند رژیم را وادار به اصلاح خود در آن مسورد کنند! در جواب این نکته ما قبلا بسیار نوشته ایم. هر هنسک کمبرادوری مسترد در این حمله را ما سارها مورد بحث قرار داده ایم. و عواقب این تحلیل ها را که معنی آن تلاش در جهت انقباض ایران به کرد و نه امپریالیستی است ما در صفحات " حقیقت " با رها مورد بررسی قرار داده ایم و بی از بیهم این چنین خواهیم کرد. اما در اینجا فقط به جمله ای از رصیق شهیدمان قاسم صراف راده که در سال گذشته جان در راه استقلال میهن و دفاع از انقلاب گذاشت بسنده میکنیم تا آما بیان " اکثریت " بدانند ما آنها و کمونیسم در ایران چه فاصله عظیمی افتاده است! قاسم صراف زاده سال گذشته در اعلامیه ای خطاب به اعضا و هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق جنسن نوشت:

امروزه که مردم ما با امپریالیسم جهانخوا را آمریکا طسرف هستند، هستند کسانیکه شوروی را کشوری سوسیالیستی و انقلابی و حامی انقلاب ما معرفی میکنند. حزب توده

ایران منبع اصلی چنین تبلیغاتی است و رهبری سچفا نیز بر چنین راهی گام نهاده است.

" امروزه دگر زمان آن فرار سیده که تمامی اعضا و هواداران سچفا یک جمعیندی اصولی و همه جا نیسنه از گذشته بنمایند. یکی از ویژگی های مشی چریکی عسدم اتکاء به توده بود. و امروزه تسلط بر سازمان امر عدم اتکاء به توده برای پیش برد انقلاب و در عوض محمولات ابرق قدرت روس شدن است. یکی دیگر از ویژگی های مشی چریکی، باور نداشتن به مرز بندی ایدئولوژیک بود و تسلط بر سازمان این امر فقدان یک مرز بندی قاطع با رویزیونیسیم و ضد انقلاب در سطح ملی و بین المللی بود که امروزه به شکل کرنش در مقابل سوسیال امپریالیسم شوروی بروز کرده است.

" رهبری سچفا کما نیرا که در مقابل سوسیال امپریالیسم شوروی موضع دارند متهم میکنند که در مقابل امپریالیسم تزلیل دارند، حال آنکه اینان خود در واقع در مقابل یک ابر قدرت امپریالیستی تزلیل دارند.

" رهبری سچفا موضع گیری ما در مقابل سوسیال امپریالیسم روس را مخدوش کردن مرز بین سوسیالیسم و امپریالیسم می نامند و حال آنکه خود با سوسیالیستی خواندن شوروی مرز بین سوسیالیسم و امپریالیسم را مخدوش میکنند. و دریای حونی را که بین ما رکیسیم - لنینیسیم و رویزیونیسیم، بین شوروی دوران لنین و استالین و شوروی خروشچف و برژنف و کاسیگین موجود است نمی بینند. رهبری سچفا موضع ما بر علیه سوسیال امپریالیسم را دال بر " سه جهانی بودن ما میدانند و حال آنکه در اصل مرزی بین سه جهان چین و رویزیونیسیم و سوسیال امپریالیسم موجود نیست، تفاوت تنها در بند زمان نی موجود است.

" رهبری سچفا امروزه با تبلیغ اینکه شوروی دوست انقلاب ما است میکوشد یکی از ویژگی های انقلاب ما تمام ما را که همانا اتکاء به نیروی لایزال توده ها بسود از آن بزدان دوا بن بس خطرناک است. ما در مبارزه پرشکوه فعلی بر علیه امپریالیسم آمریکا عمیقا معتقدیم

جامه ای کونشود فرقه بخون بیروطن بدر آن جا مه که ننگ تن و کم زکفن است. و اما در این مبارزه هساریم که امپریالیسم شوروی از در دیگر وارد بسود چرا که

خانه از کسودا ز دست اجانب آسود رآشک ویران کنش آن خانه که بیت الحزن است ... کمونیستهای ایران ننگ دارند که روسیه گنونی راکشوری سوسیالیستی بنا مند.

" کمونیستهای ایران ضمن بر اصرار شتن بر جسم مبارزه علیه امپریالیسم جهانخوا را آمریکا با سوسیال امپریالیسم روسیه نیز مرز بندی قاطع داشته و از حازه نفوذی و عملش را بدرون حنیش نمی دهند. " ( ۲۹ خرداد ۵۹ )

\*\*\*

و در سالی که گذشت و سالی که می آید، رهبری چریکهای " اکثریت " هر روز بیشتر از روز پیش در سلگ توربا غه های خروشچی در آمده و در می آید. و دیگر جای تاسف نیست! " اکثریت " توده های شده است و برنا مه شوروی را

نقش بسیار مؤثری در سازماندهی مراسم اول ماه مه داشتند. سنا مهای پارسونز، اساز، فیشر و نجل دستگیر و سپس اعدام نمودند. آنها با این عمل خیال خود جنبش کارگری را متلاشی نمودند اما واقعیت چیزی غیر از این بود. تجربه اول ماه مه راه سویی را به کارگران نشان داد و او کارگران تصمیم گرفتند در روز بیستمین شیوه بمبارزه خود برای کاهش ساعات روزکار ادامه دهند. تشکیلاتهای کارگری در میثتنگی در سال ۱۸۸۸ در ادامه این مبارزه تاریخ حرکت بعدی را روز اول ماه مه ۱۸۸۹ اعلام نمودند.

در این زمان خیرات و کم و کیف آن به اروپا رسیده بود. کارگران اروپائی پس از مطلع شدن از جریان این مبارزه تصمیم گرفتند به آن بپیوندند. سرمایه داران نه تنها نتوانسته بودند این حرکت را در آمریکا عقیم سازند بلکه این مبارزه و مهمتر از آن مسئله همبستگی کارگران در یک مبارزه به اروپا نیز گسترش یافت. بدین ترتیب قرار بر این شد که کارگران تمام کشورهای اروپائی نیز همزمان با کارگران آمریکا در روز اول ماه مه ۱۸۸۹ بر سر خواسته هشت ساعت کار به مبارزه برخیزند. و در این روز کارگران تمام این کشورها از طریق جشنها و میتینگها و تظاهراتهای همبستگی خود را در مبارزاتشان با یکدیگر اعلام نمودند. از آن پس این روز بعنوان روز جهانی کارگر در سراسر دنیا باقی ماند.

از آن تاریخ بدین کارگران جهان شاهد تجربیات بسیار گرانقدر و ارزنده دیگری بوده اند. هر یک از این تجربیات در نقطه ای از دنیا و از درون مبارزات متحد و عظیم و طولانی کارگران بیرون آمده است. اما اول ماه مه در شما ما این مبارزات و تضییقات نوسانجا سکا و خود را حفظ نمود و آنچه تغییر کرد مضامین مبارزه و خواسته های کارگران بود. کارگران خواسته های سیاسی و طبقاتی خود را جلوی دند و حتی در مناطقی از دنیا تحت رهنمودهای آموزگاران خود چون ماکس، انگلس، لنین، استالین، ما شوتسکون به سرگوسی دشمنان طبقه خود و با حتمان سوسالیم دست یافتند. و در شما ما این مبارزات و کوششها با اول ماه مه را گرامی داشتند. با اول ماه مه صرفاً ۸ ساعت کار و اعتراض به شهادت هندکارگر مبارز و ... نبود بلکه لزوم مبارزه و متحدونگی رجه کارگران در راه رسیدن به خواسته ها بنام سود و لزوم همبستگی صفوف کارگران علیه هر شیوع نفاق و ظاهری چون رنگ و جنس و مذهب و ملیت تا بتوانند در برابر دشمن واحد خود قدم علم کنند. از آن سروس که سرمایه داران در تمام کشورهای دنیا هموار سعی داشته اند که نظریاتی این روز کنار بگذارند و با تعیین روز دیگری بعنوان روز کارگر، بتدریج این روز و بیانش بدست فراموشی سپرده شود. اما همه این کوششها عبث و بی فایده بوده است. سنت مبارزاتی این روز تاریخی سل به سل تا به امروز ادامه یافته و در آینده نیز ادامه خواهد یافت.

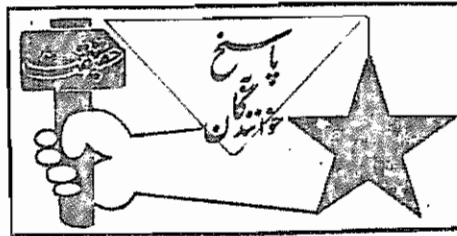
بودند قدرت خود را با اعضایی یکپارچه و همزمان در روز اول ماه مه ۱۸۸۶ به شما پیش بگردا برد. سرمایه داران و عواملشان که از این حرکت به وحشت افتاده بودند، فعلاً لبتیهای شلیک نیسیار زیادی میکردند تا بلکه بتوانند میان کارگران تفرقه افکنند. آنها از همان ابتدا شما را مطبوعاً نشان را خدمت گرفته بودند که اینکار را به حاجیها و وصیای جریبی و کامونیستها نسبت دهند و از بسطریبی در میان صفوف کارگران شکاف سازند، اما موفق نشدند. همه خود را برای اول ماه مه آماده میکردند و کارگران اشعار و سرودهای زیادی برای این روز ساخته بودند که مدام توسط کارگران زمزمه میشد. هر چه اول ماه مه نزدیکتر مستد صفوف کارگران متحد و نیروها را سرمایه داران بیشتر میکشید. آنها از هیچ توطئه و فتنه و با ربودن رهبران جنبش کارگری فروگذار نمیگرددند، اما هیچکدام از این کارها در حرکت کارگران ناشیری باقی نمیگذاشت. و جنبش آنها تا بدان حد رسیده بود که در مطبوعاً نشان میکشیدند، اول ماه مه در واقع تکرار واقعات ریخی کمون پارسی خواهد بود. هیچکدام از توطئه های سرمایه داران موفق نشده بود. هر چه اول ماه مه نزدیکتر میشد، کارگران بیشتری از طریق سراسر گزاری میسنگ و با صدور قطعنامه و با تشکیل کمیته های و برگزاری مراسم جنسی، همبستگی خود را با این تصمیم اعلام میکردند. اینکارها و این تاکتیکها بخصوص در مدت دوم ماه مه در شما اول ماه مه ۱۸۸۶ بسیار رشد گرفت. ایی حرکت بخصوص در سیکا گواز همه ها وسیع و عمیق تر بود بطوریکه همه کارخانجات در این شهر که یک مرکز کارگری بودند قطعاً مه کدر انده بودند که اگر تا قبل از اول ماه مه ساعات کار به ۸ ساعت کاهش نیابد دستها عصبان خواهد زدند. بالآخره روز اول ماه مه فرا رسید. در شما شهرهای آمریکا کارگران با اعتصاب کرده بودند و با اینکه جشنها شعی ترتیب داده بودند، شهر سیکا بخصوص کاملاً بحالت تعطیل در آمده بود و همه کارگران با نشانها و خاواده ها ستان بسرای برگراری جشن همبستگی بدخیا با نیا ریخته بودند. این روز در شما ن جی و سرور کارگران با بیان بافت اما در واقع خسود بعنوان تجربه ای سوس در مبارزات کارگری سراسر دوران جدیدی از مبارزات بود. در سیکا کارخانجات در سیکا گوا، سلیس از حرکت کارگران جلو گیری کرده بود و کارگران تصمیم گرفتند در روز بیستم ماه مه مستسکی در اعتراض به این حرکت ترتیب دهند.

استفایل وسیع کارگران در مبارزات اول ماه مه سرمایه داران را با افکار انداخته بود. بهر ظرفی شده جنس کارگری را عفت سنا سید و با حداقل ره خود را بریرید و برای اینکار ر بدنیال فرصت میکشند. آنها نتوانسته بودند در روز اول ماه مه کاری بکنند و چشم به میسنگ اعتراضی کارگران در روز بیستم ماه مه در محله هی ما رکست سیکا کود و خندند. آنها در ای سسنگ استدا بمیی منتحر کردند و سعبه بیانه جلوی گیری از اغشانی به صفوف کارگران محله برده و بی اسیراننداری بطرف آنها، در تکمیل توطئه خود چها رسفر از رهبران جنبش کارگری این کشور را که

پیام روزیونیسیم

بقیه از صفحه ۱۱

در ایران بساده میکند. برای کمونیستهای اسران مجموعه نظراتی که " اکثریت " مدانیان تبلیغ میکنند جز نفرت احساس دیگری را بر نمی انگیزد. جوانان گمراه شده ای که بدن بسال رهبران خیاست بیخه اسن سازمان افتاده اند یا بدخود آیند و حساب خود را از نشان جدا کنند!



نکاتی چندبرای رفقای که  
سؤال میفرستند:

رفقای عزیز، سئوالات شما که اکثرا به مسائل سیاسی مبرم ایران و جهان مربوط میشود، هر هفته بدست ما میرسد. پاره‌ای از رفقا ضمن طرح سئوالات پاره‌ای سئوالاتی را که قبلا در این صفحات پاسخ داده شده مجدداً طرح میکنند و پاسخ مفصلتری را میطلبند. البته بدیهی است که پاسخگویی مختصر در این صفحه نمیتواند تمامی جوانب مسائل مطرح را بشکافد و توضیح دهد و بسیاری از سئوالات نیازمند مقالات و چندین کتابهاست که بتواند واقعاً مسئله را تحلیل نموده و پاسخ گوید. اما عده‌ای از رفقا هم انتقادات درستی را در رابطه با پاره‌ای از پاسخ‌ها مطرح کرده اند که ما خواهیم کوشید از این پس آن را جبران کنیم. برای بهبود کار بخش پاسخ به خوانندگان نیازمند ارشادات رفقا هستیم. در همین حال تقاضا میکنیم سئوالات خود را روی کاغذ جداگانه یعنی جدا از نامه‌های داخلی - پیشنهادات - گزارشات و غیره ارسال دارید تا کار رسیدگی به آنها آسانتر باشد. در طرح سئوالات حتماً نام مستعار استفاده کنید و کوشش کنید که سئوال شما روشن و صریح باشد. چرا که بارها شده است سئوالی را ما پاسخ گفته ایم و آنکه رفیق پرسش کرد در نامه‌ای دیگر خطاب به ما منظور خود را دقیق تر کرده و گفته است که پاسخ ما به سئوال، منظور او را از طرح سئوال برآورده نمی‌سازد. بنا بر این خواهش میکنیم بخصوص در مورد سئوالات سیاسی - تحلیلی کوشش کنید سئوال خود را بصورت موجز دقیق و صریح مطرح کنید و مطمئن باشید که طرح دقیق یک سئوال اساسی خودبخود مهمی از رسیدن به پاسخ در آن مورداست. در همین حال لازم به تذکر است که تعداد بیشماری سئوال برایمان ارسال شده است که بهتر است به آنها پاسخ داده خواهد شد. طبیعی است که سئوالات مشابه بصورت یکجا و تیز بسته به اهمیت سئوال و آمادگی ما برای پاسخ دادن، اولویت‌های این

ستون تعیین می‌کردد.

دربارهٔ کرهٔ شمالی

تعدادی از رفقا از جمله رفیق ع - ۲۱ - الف در مورد جواب مربوط به کرهٔ شمالی که در ستون پاسخ به خوانندگان در هفته‌های گذشته مورد بحث قرار گرفته بود انتقاداتی مطرح کرده‌اند. اشتقاقات رفقا عموماً بدور اینست: ما لاه دور میزند که چگونه کرهٔ شمالی بدون اینکه تحقیق کافی در مورد ساختار سیاسی لیسم در مواضع داخلی و خارجی آن ارائه گشته باشد بعنوان یک کشور نوپا - لیستی ارزیابی شده است. در جواب این رفقا با دیدگوشیم که همچنانکه ما در همان پاسخ مورداشارهٔ شما تصریح کرده ایم تحقیقات و اطلاعات ما دربارهٔ چگونگی ساختار سیاسی لیسم در جمهوری دموکراتیک خلق کره محدود است. این محدودیت اطلاعات تا بطبع از استحکام موضوعگیری ما در مورد این کشور بسیار کاهش است. در مورد مسائل داخلی و خارجی این کشور ما نظر خود را در مورد پیشینه‌ی از جمهوری دموکراتیک خلق کره برای برقراری وحدت دو کره اعلام کرده ایم و از مبارزات خلق و دولت این کشور برای حفظ استقلال خود - شان در برابر امپریالیستهای رنگارنگ حمایت میکنیم. در عین حال ما انتقادات خود را از مواضع میانگرا نه کرانهٔ کره شمالی در مسائل بین المللی و همچنین گرایشانی که تحت عنوان کیم یسل - سونگسیم در این کشور فرموله شده است ابراز کرده ایم. تحقیقات ما در این مورد کافی نیست. کرهٔ شمالی در سالهای ۵۰ و ۶۰ بعنوان بخشی از جامعهٔ کشورهای سوسیالیستی توسط احزابی مانند حزب کمونیست چین برهبری ماژوتسه دون، حزب زحمتکش و بتنام برهبری هونی میسن و حزب کارآلبانی بزمسبت شناخته شده است و ما شواهدی در دست نداریم که در این کشور از دوران تا کنون تغییر کیفی روی داده باشد. بنا بر این اساس عوامل جنس کمونیستی در آن دوران ما هنوز کرهٔ شمالی (جمهوری دموکراتیک خلق کره) را یک کشور سوسیالیستی میدانیم و می‌کوشیم

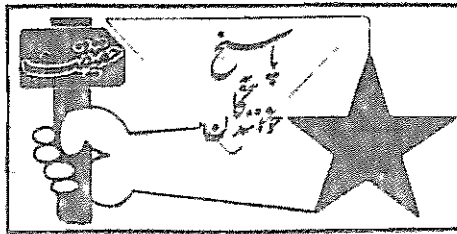
تا با تحقیق بیشتر در این مورد و تا آنجا که توان داشته باشیم موضع خود را در این مورد تدقیق کنیم.

\* \* \* \* \*

فریدون تهران مینویسد:

"بعد از درود و سلام، با توجه به اینکه مدت‌هاست این نشریه را مطالعه میکنم و صحت و درستی مطالب و تجزیه و تحلیل‌های آن و خط‌سازمانی اتحادیه برایم مشخص است و آنچه برای من روشن نیست چگونگی پیدایش اتحادیه و تشکل آن بصورت یک سازمان انقلابی میباشد. چنانچه در این مورد بمن پاسخ‌ها و راهنمایی داده شود ممنون خواهم شد."

پاسخ: از حسن ظن شما ممنونیم. اتحادیهٔ کمونیستهای ایران تا سالهای انقلاب (۵۷ - ۱۳۵۶) اساساً ادامهٔ جریان نی بود در خارج بنا بر سازمان انقلابیون کمونیست (نشریهٔ "کمونیست") که پس از وحدت با تعدادی از اعضای گروه فلسطین در خارج این نام را بر خود نهاد و از این پس به انتشار نشریهٔ "حقیقت" پرداخت. این دورهٔ فعالیت اتحادیه به انتشار نشریه و جزوات شورایی و سیاسی، کار در میان دانشجویان خارج و گسیل تعدادی از ایشان برای فعالیت در ایران، فعالیت‌های مختلف در منطقه خاور میانه و خلیج و تلاش برای انتقال افراد خود به داخل کشور خلاصه میشده و در اینباره انتقاداتی بخود داشته که به شما ارسال شد. شما رهٔ ۲۸ نشریهٔ حقیقت آمده است. اتحادیه در جریان انقلاب کلا وارد ایران گردید و وضع آنکه بخشی از اعضا پیشین آن از آن مشعب شدند (گروه "زحمت" و بعدها یکی از هشت گروه مؤتلفهٔ "وحدت انقلابی") بطور پراکنده در جریان انقلاب شرکت جست و همچنین نخستین شورای سالانهٔ خود را در ایران برگزار کرد (که میشود دومین شورای رسمی). پس از آن دو گروه از جریانهای مارکسیستی داخل کشور بنا بهای "گروه مبارزه در راه ایجاد حزب طبقهٔ کارگر" و "کارگران مارکسیست - لنینیست جنوب (رزم خونین)" با اتحادیه وحدت کردند و اکنون اتحادیهٔ کمونیستها محصول وحدت چهار جریان است که به ترتیب نام برده شدند. همچنین پس از برگزاری شورای سوم اتحادیه در سال گذشته چند تن دیگر از اعضا پیشین این سازمان نیز اشعاب کردند، که اخیراً کتابی نیربنا م "اختلافات ما" انتشار داده است. (بفیه در صفحه ۱۴)



حاشی از طرف ما اصطلاح نظام سرمایه داری وابسته بکار گرفته مقصود همان رسته هائستی ارضایع و با بکداری و شرکت های دلالی و غیره است که با صدها بنده انحصار را بین المللی و موسسات سئوروزازی کشورهای امریالیستی متصل بسوده و وسیله ای برای غارت کشور ما میباشد؛ با اعتبار دنگران بخش از موسسات سرمایه داری که از طریق قرار دادها شرکت در سرمایه داری و مذاخل و با اعتبار توشی از غنچه به موسسات امریالیستی و اشتغال آنها و ایجاد آنها نیز به جنب شوروی و سایر کشورهای امریالیستی و مبارزان و شرکای بوسمان میرود.

ضمنا همین رفیق تقاضا کرده است که: "بعلت کمبود امکانات بخش نشریه در سطح جنبش خواستار این هستیم که موضع سازمان در مورد حزب جمهوری اسلامی و بررسی با بکار طبقاتی آن و چگونگی مبارزه با آن در صورت امکان بصورت جزوه ای منتشر شود، تا در دسترس همگان قرار گیرد."

پاسخ: اخبار گروهی از رفقای هوادار سازمان ما جمع آوری بکرشته از مقالات "حقیقت" در زمینه تقاضا شده جزوه ای ترتیب داده و به چاپ رسانده اند.

### ج. از راهبردی

نامه اتان (کمی دیره تاریخ ۶۰/۱/۱۶) که حاوی پیشنهادهای جالب نوحی میباشد بدستمان رسید و بدست رفتاری رهبری داده میشود تا در برنامهریزی های خود مدنظر قرار دهند و با همکاری راکه صلاح میدانند بکنند. ضمنا درباره برنامه آموزشی شورویک سازمان هم اکنون دارای یک برنامه آموزشی از جمله برای هواداران میباشد، که از طریق روابط داخلی میتوانید تهیه کنید.

حیاتیکاری دارودسته حاکم سرمایه داری کسوی به آنجا کشید که به طبع کسب آقائی در منطقه و باری رسا بدین به بسمیه های اینبخاری سوسال امریالیسم روس در آسیای جنوب شرقی تا جوا نمردها بسمیه کا موج لکر کشند و دارودسته فراری

و حاکم سگ سارین که هنوز مکتبی است نیروهای اشغالگری و تنامی در داخل خاک کا موج است، را ساریکه قدرت نشاندند، بی از گذشت سیش از سال از بپروزی خلق و بسا موشکمل دولت جدید، هنوز فقر و سیکاری و بی حقوقی و انسواع ستمگری های سیاسی و اجتماعی در ویستنا م سید آمد میکند و ویستنا همجنان در پندهای اسارت و غارت سگان - اینیسار سگان - سفاک جدیدی سنا ما میریالیسم روس - دست و پا میزند، بدون شک انقلاب سدی و بسا مکتوبی که همدن در جوا هاند بود.

اما درباره شخصی ژرژ چنین بعضی رهبر حبیبه خلق برای رهائی فلسطین، با بدکفت کدوی سکی از مبارزان قدیمی جنبش عفا و ملت فلسطین بوده و در میان مردم فلسطین احترام زیادی دارد. البته برخی اشراعات و همچنین پاره ای مسائل ناکنیکی مورد بحث در میان مبارزان فلسطینی درباره منی و ناکنیک مبارزه حبش و با راستی وجود دارد، لیکن مهمترین اشراف فکری و سیاسی او همانا سازمانشکاری (گاد مفرط) وی در بسار بسار سوسال امریالیسم روس میباشد. در هر حال ما بدوی بعنوان یک شخصیت برجسته جنبش فلسطین احترام میگذا ریم.

همین رفیق همچنین پرسیده است: "تفاوت عبارت "نظام سرمایه داری وابسته" که اتحادیه عنوان میکند با "سیستم سرمایه داری وابسته" که گروه های چپ مطرح میکنند چیست؟" پاسخ: معنای "نظام" و "سیستم" یکی است و اتحادیه چیزی بنا نظام سرمایه داری وابسته، بمعنای نظام جامعه ما، مطرح نمیکند. ولی اتحادیه از سرمایه داری وابسته و سرمایه داری دسوانا - لارانه (سوروکرا نیک)، که دارای خطبسی کمپرادوری ما کمپرادور مشودالی می - باشد، صحبت کرده است. احیاناً اگر در

در حال حاضر با دید در کلیه شهرهای عیده، کشورهای اروپای غربی و فیلیپین میکند و لی هنوز جیدان بزرگ و رشودار در میان طبقه سبک و کارزاری در برین دارم. که یکی پس از دیگری جوا هاند.

### ش. ش. تمکابین میرسد:

"موضع سازمان در قبال رژیم های کره شمالی، ویستنا م و همچنین شخصی ژرژ حبش چیست؟" پاسخ: درباره کره شمالی بیندر همین سنون صحبت شده است. اما درباره ویستنا م نظرا اینست که رژیم این کشور رژیمی است ضد انقلابی و روبریونست که سکا رگزار سبالی سوسال امریالیسم روس در منطقه آسیای جنوب شرقی سیدیل شده است. در گذشته ویستنا م گیواره، انقلاب بود، مردم فیلمان ویستنا م تحت رهبری حشر زحمتکشان ویستنا م و در راس آن رفیسی هوشی مین طی جنگهای برحما س و غیر - مانا نه ای علیه امریالیستهای ژاپنی فرانسوی و آمریکائی و حکومت های دست نشانده آنها به پیروزی های بزرگی باطل گشتند. لیکن حرب زحمتکشان ویستنا م در جریان بروز اختلاف بسورک میان مارکسیسم - لنینیسم و روبریونسم بناصر مواضعی میانه اختیار کرد و از قطع رابطه با روبریونسم حاکم را نهاد شوروی کد سرعت بیک قدرت امریالیستی فیما رفتند و با احنا ب و رزسد، پس از در گذشت رفیق هوشی مین این اشراف حزب و مواضع مسانه کرانه آن ژرفا یافت و بتدریج روبریونسم و حط منی دسائروی از امریالیسم ظاهرا سوسالیستی روس سرحزب زحمتکشان ویستنا م غلبه یافت. در نتیجه محمول پیروزی بزرگ خلق فیلمان ویستنا م امریالیستهای آمریکائی و دسب - نشانگان شان توسط روبریونسم و کارگران خاش سوسال امریالیسم روس در ویستنا م رپوده شده و آنها خط منی و سیاست حکومت و احدا سونیا دسوانا را تعیین کردند. کا رضا انقلابی کسری و

حقیقت

ارگان =

اتحادیه کمونیستهای ایران

را بخوانید و بخش کنید

لبنان ...

بقیه از صفحه آخر ... جنبش فلسطین برخوردار نیست، همچون گذشته تحت لوای "اجرای قانون و حفظ نظم" نقش زمینه ساز را در سرکوب نهضت مقاومت فلسطین و جنبش ملی لبنان که متحد خلق فلسطین است بازی میکند.

از جانب دیگر نیروهای سوری موجود در لبنان نیز تحت لوای برقراری نظم و حفظ آتش بس و اجرای قانون و بینام "نیروهای بازدارنده" (بازدارنده، انقلاب) تلاش دارند ارتش ارتجاعی لبنان را یاری دهند. رژیم حافظ اسکره در جنگ داخلی گذشته (۱۹۷۵) با سرکوب خلق قهرمان فلسطین و جنبش مترقی لبنان، بطور غیر منظم خدمت شایسته توطئه ابرفردیت آمریکا نمود، اکنون در شرایط بمباران بدستوران زمان قرار دارد. از یک طرف با مبارزات فزاینده مردم سوریه روبروست، از جانب دیگر با جهت گیری با امپریالیسم شرق متحدین منطقه ایش را که به غرب تمایل دارند "دلسرد" ساخته است. لذا سعی میکند تا به نهضت مقاومت فلسطین فشار وارد آورد و آن را به خود وابسته کند و تحت عنوان مخالفت با صهیونیسم، از آن ابزار برای تقویت موقعیت خود و سوسال امپریالیسم در منطقه استفاده نماید.

در ایران نیز پاندهایی از هیات حاکمه (حزب جمهوری و متحدین سازمان) سعی

دارند که اذهان توده مردم را که بطورتاریخی توجه خاصی به خلق فلسطین داشته اند منحرف نماید. آنها تلاش دارند توطئه جنگ داخلی در لبنان را از یک طرف علیه سوریه و ارتش آن جلوه دهند و از طرف دیگر بر علیه سازمان امل به عنوان با صلاح نماینده شیعیان لبنان، و به این ترتیب با حاکم قلمداد کردن نهضت مقاومت فلسطین و نهضت مترقی مردم لبنان (که بدون توجه به مذهب اعم از مسیحی و شیعه و سنی در آن شرکت دارند) نقش خرابکارانه ای در امر دفاع و پشتیبانی از خلقهای فلسطین و لبنان بازی مینمایند.

آخرین تحولات در لبنان

یک آتش بس شکننده در لبنان برقرار شده است. ولی شواهد حاکی از آنست که امپریالیسم آمریکا و متحدان سنی و صهیونیستی اسرائیلی در پی توطئه های بمباران وسیع تری در لبنان هستند. به اظهار نظرها و اقدامات این کشورها توجه کنید:

" معاون وزارت دفاع اسرائیل برداخی زیپسوری مناطق مرزی لبنان را با زید کرد و گفت " ما به کمک رساندن به مسیحیان (فالانژیستها) لبنان ادامه خواهیم داد. (کپهان اینترنشنال - ۲۰ فروردین ۱۳۶۰)

الکساندر هیگ - وزیر امور خارجه آمریکا - گفت: " ایالات متحده و فرانسه اقدامات دیپلماتیک هماهنگ شده ای را برای برقراری صلح (!!) در لبنان انجام می دهند... این اقدامات می تواند نزدیک نیروی حافظ صلح و نقشی برای سازمان ملل را شامل شود. " (رویترز - ۱۱ آوریل ۱۹۸۱)

" فرانسه روشن ساخته است که آماده ایقاع یک نقش

دو خبر کوتاه کارگری

♦ در کارخانه بافکار یک کارگر که ۶ ماه بود مشغول کار شده بود مبتلا به بیماری غش وضع اعصاب بود؛ ولی مسئولان کارخانه هیچ مرخصی به او ننمیدهند و کوچکترین توجهی به وضع خطرناک جسمی او، از جهت تهیه وسائل مداوا و معالجه، نمیکنند. در نتیجه بکبار پس از تشنج اعصاب و استفراغ میمیرد. کارگران باید از همین یک نمونه به موقعیت در این جمهوری پی ببرند، که در حالیکه پیرمردی را مرقا بخاطر مقام مرجعیت برای یک بیماری چشم ساده (که تازه معلوم شده قلابی بوده) میلیونها تومان خرجش میکنند و به اسپانیا میفرستند، با کارگر جوان ساده ای که تمام بنای این جامعه محصول زحمت اوست، حتی در وضع نزدیک به موت نیز چنین ناسپاسی میکنند!

♦ بخش پرس کارخانه ایران ناسیونال روی اعتصاب است و خواسته های کارگران وقت ناهار، ساعت کار و اضافه دستمزد میباید.

حق استفاده از آب ...

تا جاییکه بعد از آمدن شهردار حزبی شاه شهر به آنجا و تهدید وی توسط چهار شیرزن مسلح به تنه های درخت (!) وی قول میدهد که نیازی از آب را تا مین کرده و حتی آب را تصفیه کند. بعد از آن ضمن درگیری که بین پاداران و اهالی در میگیرد پاداران چندتن از نمایندگان این مردم زحمتکش را دستگیر کرده و به کمیته میبرند. در روز ۱۳ فروردین با ردیگر مردم این شهرک مجددا سوار بر کامیونها و توبوسهای خود میشوند تا با بستن جاده بدین عمل ضد انقلابی پاداران جویایی دهند. و با بند آمدن آب هر دروز یکبار رومچنین نبود برق در اغلب روزها و شبها با بودن مسائلی چون نبود سیله حمل و نقل کافی - خرابی جاده - نبود تلفن در سرتاسر این شهرکها و ... نهضت همچنان ادامه دارد.

زحمتکشان بیدارند / از حزبی ها بیزارند  
مرگ بر حزبی ها / مرگ بر حزبی ها

رهبری کنند در اتحادیه نیروی با زدارنده در لبنان است، اگر این امر توسط مقامات لبنانی تقاضا شود. (رویترز - ۱۱ آوریل ۱۹۸۱)

الکساندر هیگ: "... اگر طرفین در لبنان نتوانند بطور موثر رفتار کنند، ما نوعی نیروی حافظ صلح را در نظر خواهیم گرفت. " (هما نجا)

" فرانسه بونسه (وزیر امور خارجه فرانسه) تصمیم گرفت که ... سخنان فرانسه در لبنان، سوریه، عربستان سعودی، اسرائیل و ایرلند را برای مذاکرات (درباره لبنان) فراخواند. " (هما نجا)

نمای اظهارات بسالا بروشنی نشان دهنده این امر است که امپریالیستها و صهیونیستها نقشه وار در کردن نوعی نیروی نظامی (تحت پوشش "سازمان ملل"، نیروی "بازدارنده" و...) به لبنان را دارند و این امر را بسیار جدی و فوری میدانند. این امر باعث توطئه ای که بر علیه جنبش مقاومت فلسطین و جنبش ملی لبنان وجود دارد نشان میدهد.

مادر شماره آینه - در پرتو بررسی اهداف و نتایج سفر الکساندر هیگ به خاور میانه به این امر بیشتر خواهیم پرداخت.

ال سالوادر ...

جمهور قبلی سالوادر (که از طرف این حزب بنا مزده شده بود) "خوزه ناپلیئون دوارتسه" - قبل از آنکه از کا ریفتند (یک سال پیش)، مذاکره کنشده، اصلی کمک نظامی آمریکا به سالوادر بود، "جبهه انقلابی دمکراتیک" ائتلاف وسیعی است از نیروهای اپوزیسیون - اکثران نیروهای بورژوازی - که بروشنی برخی از آنها طرفدار غرب و طرفدار شرق هستند، اگر چه همه گروههای "جبهه انقلابی دمکراتیک" مانند "اونکو" و "دوارتسه" آمریکا نمی بینند، ولی اکثران نیروهای ساژشکاری هستند که میخوانند از فیل انقلاب توده ای مردم به قدرت برسند، ولی در عین حال طبقات تپی - دست راست تحت فشار نگهدارند، ولی با تمام این چشمک های ساژشکارانه از طرف نیروهای مختلف، امیریا لیم آمریکا به پشتیبانی کامل خونستای نظامی بلند شده است، اما هر دو هم منظور که گفتیم نشاندهنده آنست که امیریا لیم آمریکا به نوکران عدد در خدمت سگوشی نیاز دارد.

بدیده آمدن اوضاع انقلابی در یک رشته از کشورهای در چندین سال گذشته (ایران، لهستان، نیکاراگوئه، ال - سالوادر، افغانستان) نشان - دهنده عمق بحران عمومی است که سر تا سرخیان را فرا گرفته است، این بحران عمومی می که با به های سیاسی امیریا لیستی را بدل کرده در آورده است، از یک سو خلقهای جهان را بحرکت در آورده و آنها را به خروج از بحران را در انقلاب می یا بند، امیریا -

ال سالوادر به درجات مختلف تحت تاثیر خط مشی شوروی و کوبا هستند و بنا بر این مواضع فرصت طلبانه و ساژشکارانه اتحاد می کنند، در ۱۴ ژانویه ۱۹۸۱، سماندکان FMLN (جبهه رها شیبش فاریاوند و مارتی) که ائتلافی از ۴ گروه چریکی با حزب "کمونیست" (طرفدار شوروی) سالوادر است در هندوراس با سدی - آمریکا - جک سیز - ملاقات کرده اند، این نمایندگان اظهار داشتند که این ملاقات صورت گرفت تا "اشتیاق ما به آغاز یک گفتگو نشان داده شود، بشرط آنکه ایالات متحده تمام کمیته های نظامی خود به خونستای جاسیتکارا قطع کند و تسول بدهد که کشور را اشغال نظامی ننماید، یا توسط نیروهای آمریکا تی با هر نیروی خارجی دیگری"، ولی بعد از ظهر همان روز، امیریا لیم آمریکا یک کمک نظامی ۵/۵ میلیون دلاری به خونستای سالوادر را اعلام کرد و نمایندگان "جبهه ساچا را زخیر شروع گفتگو" گذاشتند.

رهبران نیروی دیگر در اپوزیسیون سالوادر - "جبهه انقلابی دمکراتیک" (FDR) حتی پس از آنکه کمک ۱۰ میلیون دلاری نظامی آمریکا اعلام شده بود، اظهار داشتند که یکی از اهداف مهم "جبهه انقلابی دمکراتیک" عبارتست از "بحران ساحی آمریکا به بدیدن این واقعیت که ما نمی دمکراتیک هستیم که میتوانیم با مسامحه آمریکا و جهان همزیستی کنیم". سخگوی این جبهه "کبیر سو اونکو" رهبر سابق حزب دمکرات مسیحی سالوادر است، این حزب قبلا در قدرت بود، رهبری

لیستها نیز برای خروج از بحران بحسب کده نظامی پوسیده و ارتجاعی شان ضربه - ای نخورد به فاشیسم، تجا و زگر و سرکوب انقلابات از یکسو، و تدارک جنگ جهانی مشغول میباشند، این اوضاع بدرستی پیش بینی داده اند، رفیق ما نوشته دین را به اثبات می - رساند که گفت: "یا انقلاب از جنگ جلو میگیرد و یا جنگ به انقلاب دامن میزند". ولی متاسفانه به خاطر ضعف جنبش بین المللی کمونیستی که ناشی از ضربات بی دربی ظهور روریونیسم خروشانی و روریونیسم سه جهانی و شقه شقه شدن این جنبش میباشد، این انقلابات از رهبری پرولتری بی بهره گشته اند، گسترش بحران انقلابی در این کشورها و بنا -

گمهای مالی دریافت شده

شهر	مبلغ	کد	نام
اصفهان	۱۰۰۰	۵	رفیق کارگر
"	۱۰۰۰	۳	س
آغا جاری	۱۰۰۰۰	۴	م - ن
بابل	۱۰۰۰	۱	م - ف
تهران	۱۰۰۰		الف - سرباز
"	۲۵۰۰		م
"	۲۰۰۰	۳	کارگر
"	۱۵۰۰۰	۱۲	ع - ع
"	۱۰۰۰		ح - سرباز وظیفه
"	۱۰۰۰		الف - سرباز
"	۱۱۰۰۰۰		ت - الف
"	۵۰۰		ک - ر
"	۲۰۰۰۰	۵۵۲	س
"	۵۰۰۰		م - م
"	۳۰۰۰		رفیق هوادار
"	۱۰۰۰۰۰		"
"	۲۵۰۰۰۰		"
"	۵۰۰۰۰		"
"	۱۵۰۰۰۰		"
"	۱۰۰۰۰۰		"
"	۳۰۰۰۰۰		"
"	۵۰۰۰۰		"
"	۱۰۰۰۰		م - ص
تهران شهرک	۴۵۰۰		ص - ط
ولس عصر	۱۰۰۰		م - م
کیرج	۱۰۰۰		س - ص
"	۵۰۰	۱۸	ر - م
عمری	۷۰۰۰	۶۱۵	ک
گیلان	۱۰۰۰	۵۳	ن - ی
"	۵۰۰		رفیق هوادار کا رسد
منیان	۳۰۰۰	۲	ایل
"	۳۰۰۰	۱۲۳۷	ن
"	۱۰۰۰	۵۵	عمی
تبریز	۵۰۰		ب - ح



ال سالوادر ...

۲۵ میلیون دلار دیگر هم در راه است. "کمک" اقتصادی بسیار وسیعاً افزایش یافته است. بر طبق برخی گزارشات میزان آن به ۱۰۰ میلیون دلار بالغ می گردد. وزیر امور خارجه آمریکا، الگس اندرهیگ، گفته است که: اشتباه آمریکا در ویتنام آن بوده که خود را مشغول "فتح قلبها و افکار"!! کرده بود. ولی اینبار آمریکا به روی بیرونی نظامی تمرکز خواهد داد. گفته می شود که تنها و تنها بلکه مضحک است. "فتح قلبها و افکار" در ویتنام زمانیکه این جیا بخوار و مشغول شخص مژد ویتنامیها می باشد بود، زمانیکه میلیونها نفر را در کامرک سرور سرد، و امتعاً و قناعت امیرسا - لبستی لازم دارد. ولی این گفته الگس اندرهیگ یک بکنه را برجسته میسازد: تصمیم امپریالیسم آمریکا برای سخاک و خون کشیدن مردم بغلابسی السالوادر و کوشش های مذبذبه حاشه امپریالیسم آمریکا برای باس "توجیه" مسخره ای است منظور ما کردن مردم آمریکا در حنا سیاسی جنگهای مدا بغلابسی ولی سیاست های تحاوز کارانه آمریکا در السالوادر امپریالیستی را با "ظلمات" زیادی مواجه خواهد ساخت. بدستیا درخسود السالوادر، کدستجهای حیرت افروز خشم مردم و مسخ آنها علیه آمریکا خواهد داد، بلکه در تمام جهان وحشی درخسود انالاب منجده که سوده های مردم هنوز حسابات و حساب فراموش نکرده و خروج به محالعت سالی تحاوز آمریکا بدالسالوادر سوده است. در حقیقت این بکنه که امپریالیستها با وجود

جنین اوغای، دست به اتحاد سیاستهای تحاوزکارانه می زند، نمودار موقعیت وخیم آنهاست. در زمانیکه بحران اقتصادی جهان امپریالیستی سرخا عمق می یابد، در زمانی که امپریالیستهای آمریکا در تمام در تمام می. حیثاً نوسیلد رقبای روسی خود "تهدید" میشوند، آنها زمینوا نندا حازه دهند که امپراطوری شان از درون سر نخوت خطر فرا رگمرد و به کنترول بلاسارتهای که اعمال می کردند حدنه وارد آید. آنها در این شرایط احتیاج به رژیم های دست نشاندۀ نوکر صفتی دارند و نمیتوانند به رژیمهای بورژوازی و حردۀ بورژوازی رضا بدهند. همجنین، در مورد السالوادر هرگونه تصمیم حوسنا، باعث تضعیف کنترول آمریکا بر السالوادر خواهد بود که نتیجه آن سوجود آمدن شرایط مساعد برای پیروزی سرداری سوسال امپریالیسم شوروی - رقب آمریکا - خواهد بود. همجنین، تضعیف موقعیت آمریکا در السالوادر و راست رخص آن "خطر" کنترول انقلاب در تمام آمریکا ای مرکزی را به همراه خواهد آورد. سالیس امپریالیسم آمریکا بدوکران مضمحل و امتحان سدهای احتیاج دارد که بتواند برای پیسرده بختهاست در سرکوب انفلاب و مسخ برای حیک حیثاتی سر آنها انکاء کند.

ولی هنوز امپریالیسم آمریکا میدواید و راست که بدون اسغال نظامی السالوادر که اگر لازم بیفتد به آن کار هم اقدام خواهد کرد. مسئله را "حل" کند. چرا که شورسرای این کارآمدگی نسودارد.

تبلیغات "میهن پرستانه" کاذب امپریالیسم آمریکا (که تا جندی پیش اساساً نگردا بران و حاسوسان آمریکائی به پیش برده میند) هنوز کاملاً موفقی نشده که توده های ستمدیده آمریکا را قانع کند تا زندگی خود را در راه نظام امپریالیستی و برتری حکام امپریالیستی خودی بغنلر سبدا زند. همجنین سالیس دولت های امپریالیستی منجده آمریکا هنوز منقا عد نشده اند که ما حرا جوشی نظامی آمریکا در السالوادر بفتح آنها خواهد بود، اگر چه حیث گیری بیشتر و بستری به اسن سمت و ایس سیاست پیدا میکنند.

سبب دلایل، امپریالیسم آمریکا روی برنا صهای کار میکنند از رنستیهای نوسنعمراتی کشور های منطقه مرکزی آمریکا خصوصاً "هندوراس" شوروی بلبسی ای ایجا دکند تا تمام در السالوادر و هرگونه "مزاحمتی" که در آمریکا ای مرکزی ممکن است سوجود آید را سرکوب کنند. (رورسا مه "اکسلسیور") (Excelsior) جالب مکزیکوسینی (مکزیک) اخیراً گزارش داد که امپریالیسم آمریکا بگ قرار داد محرمانه با هندوراس منعقد کرده است تا ارس هندوراس را سسرای انجام اسن سفت نفویت کند. ز اس قرار داد سوسیلست منحصاً مورد آمریکا ای لانیس بسناگون. ژنرال رایسرت سواسرراماء است. وی همچنین رستاده و رار رت امور خارجه آمریکا و عضو کمیته منبب ملی آمریکا سبرهست، آمریکا ۴۵ مسننا رنظامی سهندوراس کسبل دانسه، ۱۵ نفر ارس از سترقی جدیداً رسیرا نیسادر السالوادر، در ماههای اخیر ۳ عملیات سترک نظامی توسط سپاهیان هندوراس، کواتمالا و السالوادر انجام با عندا است. بمطوراً نکه بروی

این تحاوزات آشکارا سپرده ای "قانونی" بکشند، اخیراً کنگره ملی!! هندوراس یک رشتسه سبصره های برقانون اساسی را به تصویب رساند که بموجب آن سربازان السالوادری اجازه ورود به خاک هندوراس را کسب کرده اند. از آن سیمتر، سبه سربازان هندوراس اجازه داده میشود تا به خاک السالوادر وارد شوند. همه این "قوانین" و این عملیات نظامی تحاوز کارانه در زمانی انجام میشوند که امپریالیسم آمریکا در بساره "مداخله خارجی" در السالوادر جیغ و فریاد سراه انداخته است.

ضعف رهبری جنبش

توده های مردم السالوادر مصمم اند که همه ستمگسبران را سرای همیشه سرنگون سازند. اسناد انقلاب توده ای مردم السالوادر بسیار گسترده است. در سال گذشته فقط در یک شهر (سن سالوادریا بتخت السالوادر) یک تظاهرات ۲۰۰ هزار نفری برگزار گردید. (با توجه به جمعیت السالوادر که نزدیک به ۲ میلیون نفر است، عمیق بحران انقلابی نمایان میگردد). ولی متأسفانه بطلت طبعت طبقه رهبری جنبش، ضعف نیروهای انقلابی، جریانات مشکوک و وابسته بر قدرتها در درون انقلاب سغود کرده اند و کرایس دارند که انقلاب را بدست سازش بکنانند. نیروهای بورژوازی و خرده بورژوازی در رهبری، نمیتوانند نمایان توده ها را بسخ کرده و با انکاء سیرا نیسای نیامی نیروهای امپریالیستی و مرنج را سراندازند. صرف آنها و عدم اعتمادان به توده های مردم، آنها را به تکیه بر گروه های مشکوک و امپریالیست رده هدایت میکنند و آنها سوسله امپریالیستی های زده قریب مسخورند.

گروههای جریکی اصلی در (بقیه در صفحه ۱۶)

# ال سالوادور: تجاوزگری آمریکا،

## ضعف و هبوری جنبش خلق



شده های مردم سالوادور و گروههای چریکی مختلف، در ماههای اخیر مبارزه مسلحانه خود را بر علیه خونت (رژیم نظامی) فاشیستی و اربابان آمریکا شش گسترش داده اند، با رتیزانها مناطق بزرگی از کشور را در کنترل خویش دارند و این مناطق را آزاد شده اعلام کرده اند. سخنگویان دولتی کاهاهی به ناتی خویش در شکست دادن پارتیزانها اذعان میکنند، اگر چه رسماً در باره "تحت کنترل" بودن کامل اوضاع گزاره گویی مینمایند. در حقیقت پارتیزانها در شرایطی میجنگند که شکست نظامی شان بسیار مشکل است. آنها از موقعیت کوهستانی سالوادور استفاده شایانی میبرند: از

### نقشه های تجاوز کارانه آمریکا

در چنین متنی از اوضاع عمومی است که امپریالیست های آمریکا می مجبور شده اند با گسیل مستشاران و "کمک" نظامی وسیع (ویتنام وار) خود را وارد کنند تا بهر قیمت ممکن

از سرنگونی رژیم ۱۰ میلیون دلار برای تقویت دست نشاندگان جلویگیرند. ارتش سالوادور فرستاده شده تا اکنون سلاحهای به ارزش بیش است. (بقیه در صفحه ۱۲۴)

## لبنان: توطئه جدید امپریالیسم و صهیونیسم

کا بینه جدید امپریالیسم آمریکا، بنمایندگی ریگان قصد دارد توطئه "کمپ دیوید" را تکمیل بخشد، رژیم دست نشانده اردن را نیز زوارد مصالحه و اتحاد با اسرائیل بنماید. از آنجا که این نقشه همانند سازش مصر و اسرائیل مخالفت ملت های عرب و غیر عرب خاور میانه و بخصوص فلسطین را برخواهد انگیزد، لذا جنگ داخلی دیگری را در لبنان بر راه انداخته تا بتواند فلسطینیها که از نظر تعداد و از لحاظ سیاسی و نظامی در این کشور متمرکز هستند را، سرکوب کرده و راه مصالحه اردن و اسرائیل را هموار سازد. در حال حاضر عا ملیسم

## حق استفاده از آب لوله کشی، حق هر انسانیست! گزارشی از مبارزات مردم در شهرک قائمیه

شهرک قائمیه، شهرک بسیار کوچکی در جاده ساوه با جمعیت حدود ۱۵۰۰ نفر میباشد. در این شهرک که به زاهدی نیز موسوم است و تنها یک خیابان و چندین کوچه دارد، اهالی از آب لوله کشی محروم بوده و هر چند روزی بوسیله یکی دو منبع آب چاه میتوانند از این نعمت طبیعی زندگی بهره جویند. از تاریخ ۲۶ اسفند سال ۵۹ مدت ۱۵ روز آب قطع میشود و اهالی مجبور میشوند به شهرک پائین (شهرک سعیدیه) مراجعه کرده و آب مورد نیاز خود را با کرایه ماشین به خانه های خود بیاورند و در این عیدیا چنین مشکلی روبرو میشوند. در این میان زنان محل که بیش از دیگران با آب سروکار دارند (به لحاظ کارهای روزمره) کم کم خشمگین شده و با مشورت یکدیگر متحدانستی با لازمه و شروع به اعتراض میکنند و به منظور جلب حمایت و پشتیبانی دیگر مردم به جاده رفته و با تفاق مردان و کودکان که به دنبال آنها روان گشته بودند جاده تهران ساوه را می بندند و با تنه های درخت و اتومبیل از عبور و مرور جلوگیری میکنند. در این میان نکات بسیار قابل توجهی، شورای قلابی محل را افشاء میکنند و آنها را بر سمیت نهی شنا سند و بگسر آنکه متحدان تا به آخر پیش میروند. (بقیه در صفحه ۱۵)